

کارگر کمونیست ۸۶

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



اهمیت اعتصاب هفت تپه از حد یک اعتصاب فراتر می‌رود

متن گفتگو با حمید تقوایی در برنامه ویژه کارگران هفت تپه در تلویزیون کانال جدید

برسد و الگو و مدلی برای جنبش کارگری باشد که بتواند حرکت‌های وسیع‌تر و سازمان‌یافته تری را جلو بکشد این مهم است که وسیعاً مورد حمایت بسیار وسیع قرار گیرد. بخش

صفحه ۱۰

ادامه دارد. نظر شما در مورد این اعتصاب و مبارزه چیست؟
حمید تقوایی: بگذارید در مورد این اعتصاب و مبارزه از این نکته مهم و عاجل شروع کنم که برای اینکه این اعتصاب به اهداف خود

شهرلا دانشفر: حمید تقوایی موضوع برنامه ما همانطور که میدانید اعتصاب و مبارزه مهم کارگران شرکت نیشکر هفت تپه است که چندین هفته است علی‌رغم فشارها و حملات جمهوری اسلامی



ناصر اصغری

مروری بر مبارزه این دوره کارگران کوره پزخانه ها

سایت "دسترنج" در خصوص اعتصاب کارگران کوره های آجرپزی قرچک ورامین درج کرده بودند، اعتصاب بیش از ۳۰۰۰ تن از کارگران ۴۰ کوره آجرپزی این منطقه بعد از ۳۰ روز، با افزایش دستمزد

صفحه ۶

اخباری که در سایت "اتحاد" درج گردیده است، اعتصاب کارگران های حومه ارومیه که ابتدا با اعتصاب ۶۰ کوره از ۹۰ کوره شروع شده بود، با پیوستن کارگران قرچک و بارگیری کارخانه های آجرپزی، تمامی کارگران این ۹۰ کوره در نیمه اول خرداد وارد یک اعتراض شدند. همچنین بنابه اخبار دیگری که این سایت و همچنین

در کنار اخبار مربوط به اعتراضات گسترده کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و خبر کشته شدن ده ها صفحه ۲ کارگر در شازند بازنه در حریق آتش، خبر مربوط به اعتراض کارگران کوره های آجرپزی یکی از خبرسازترین اخبار مربوط به مسائل کارگری و جنبش کارگری در چند هفته اخیر در ایران بوده است. بنابه

راهها به کجا ختم خواهد شد

۲۰۳۰ تولید مواد غذایی باید دو برابر شده و کشاورزان فقیر بیشتر مورد حمایت قرار گیرند. این دست نقد یعنی اینکه حداقل تا ۲۲ سال

صفحه ۳

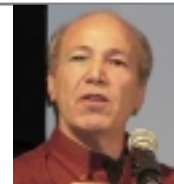
بیباند. طی سه روز چانه تو چانه هم گذاشتند و کلی بالا و پایین کردند که نه سیخ بسوزد و نه کباب و در مشورت با مشاوران ریز و درشت، آخر سر اعلام کردند که: تا سال

یاشار سهندی از ایران

۱۸۱ رهبر از کشورهای جهان در شهر رم حضور بهم رساندند تا عقل هایشان روی هم بگذارند تا راهی برای "بحران مواد غذایی"

۱۲ ژوئن روز جهانی علیه کار کودک گرامی باد - صفحه ۱۸

تظاهرات در مقابل کنفرانس آی ال او در ژنو علیه جمهوری اسلامی - صفحه ۱۷



کاظم نیکخواه

سر سخن به حمایت از کارگر هفت تپه بشتابید!

میخواهم اینجا در چارچوب این نکته چند جمله بنویسم که مبارزه کارگران هفت تپه سنگری از مبارزه همه کارگران و مردم ایران است که باید آنرا بطور سراسری تقویت و مستحکم کرد.

کردند و زیر فشار و توهین و اذیت و آزار قرار دادند. اما کارگران ناچارند که بجنگند. و دارند متحدانه و هوشیارانه در این نبرد نابرابر مقاومت و ایستادگی میکنند و بر خواستهای خود پافشاری میکنند. این جنگی برای زندگی است. کارفرما و حکومت و نیروهای سرکوش نیز تمام تلاششان اینست که کارگر هفت تپه را فرسوده کنند و شکست خورده به خانه برگردانند. چرا که میدانند پیروزی این کارگران

صفحه ۴

اعتصاب و مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه چهلمین روز خود را پشت سر گذاشت. طی این مدت بارها به کارگران اعتصابی توسط نیروهای مزدور و مسلح حکومت حمله شد. با اسپری و باتون به کارگران و خانواده های آنها حمله بردند. شماری از کارگران را دستگیر

صفحه ۲

ایمنی و بهداشت محیط کار، بحثی از منصور حکمت در کتاب "کار ارزان کارگر خاموشی"

گفتگو با سعید تریان از مسئولین سندیکای شرکت واحد برگرفته از سایت دسترنج

صفحه ۱۳

آخرین اخبار از دستگیر شدگان اول مه جوانمیر مرادی و طه آزادی

صفحه ۱۶

اخبار اعتراضات کارگری در ایران و جهان

صفحه ۱۴-۱۵

اعتصاب کارگران کوره پزخانه های ارومیه گزارشی از رها فرزاد از ایران

صفحه ۱۲

اخبار اعتراضات کارگران کوره پزخانه ها

صفحه ۸-۹

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد

صفحه ۵

پیام کارگری از نیشکر هفت تپه

صفحه ۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



تعداد جانباختگان انفجار شازند

به ۳۴ نفر رسید

اصفهان، تهران و اراک نگهداری می شوند. و حال برخی از آنها وخیم گزارش شده است. یک بار دیگر به بازماندگان کارگران جان باخته شازند تسلیت میگوئیم.

هنگام گودبرداری توقفگاه هتل باباطاهر همدان بر اثر ریزش آوار جان خود را از دست داد. این کارگر ۲۵ ساله که در هنگام گودبرداری داخل گودال بوده است، پس از آواربرداری بیل مکانیکی، آوار بر روی وی ریخته می شود و بر اثر شدت جراحات وارد بر سر و اعضای داخلی بدن جان می بازد.

وخیم گزارش شده بود. بنا به خبری که روز ۲۱ خرداد ماه منتشر شده است، فرماندار شهرستان شازند در آخرین گزارش خود تعداد کارگران کشته شده در این دو کارخانه را ۳۴ تن اعلام کرد. این درحالیست که هنوز بیش از ۳۰ تن از کارگران مجروح در بیمارستانهای قم، اراک،

بودند که ناگهان دیوار بتونی روی کارگران می ریزد و دو تن از کارگران بر اثر حجم سنگین بتونها در همان لحظات اولیه جانشان را از دست می دهند.

مرگ کارگر دیگری در حین کار

به گزارش رسیده، یکی از کارگران ساختمانی همدان روز ۲۱ خردادماه

در کارگر کمونیست شماره قبل گزارش کردیم که روز ۵ خرداد در یک حادثه تاسف بار آتش سوزی و انفجار در دو کارخانه مواد شیمیایی کیمیاگران و کیمیاگستر، واقع در شهرک صنعتی بازنه از توابع شهرستان شازند اراک ۲۵ کارگر جان باختند و حال بیش از ۵۰ نفر آنها

جان باختن دو کارگر در زیر آوار

روز ۱۳ خرداد ماه، به گزارش روابط عمومی آتش نشانی تهران، مأموران آتش نشانی جسد دو تن از کارگران را که زیر آوار در میدان فاطمی مدفون شده و جانشان را از دست داده بودند، بیرون کشیدند. این کارگران در حال گودبرداری و کندن دژهای محافظ ساختمان مجاور

ایمنی و بهداشت محیط کار، بحثی از منصور حکمت در کتاب "کار ارزان"

کارگر خاموش

که اینجا دارد راه میرود یا این نهاد است و این موجودی است که تازه خودش را هم از بقیه جامعه معتبرتر و بالاتر میدانند. قربانیان این جنایت خیلی معلوم و مشخص اند. این جنایت قربانیانی طبقاتی دارد. اینطور نیست که بمبی روی محله ای افتاده و عده ای جانشان را از دست داده اند. این جنگی است علیه بخش مشخصی از جامعه، علیه طبقه کارگر. من فکر میکنم آن چیزی که کارگر در بحث ایمنی محیط کار باید متوجه آن باشد در درجه اول کل این مساله در همین ابعاد آن است. در کشوری مثل ایران و در کل در کشورهای سرمایه داری عقب افتاده تر و همینطور در حوزه های عقب مانده تر تولیدی در خود کشورهای پیشرفته، مثل شمال انگلستان و جنوب ایتالیا و غیره، این را ما به طرز برجسته ای میبینیم. چند سال قبل بود که مساله نشت گاز در بوپال هندوستان وجدان تمام دنیا را آزرده کرد. دوهزار نفر فقط بخاطر اینکه گاز در یک کارخانه انگلیسی نشت کرده بود در شهر مجاور مردند صفحه ۳

به این نکته که خودتان قبلا اشاره کردید برگردم. اگر از کسی پرسند که آن جنایات اصلی که در تاریخ بشر میشود اسم برد کدام است روی این چیزها انگشت میگذارد، دو جنگ جهانی، فاشیسم هیتلری، کوره های آدم سوزی، هیروشیما، جنگ ویتنام، جنگ ایران و عراق و غیره. اینها جنایتهای بزرگی بوده است که همه میشناسند. هم جانین را میشناسند و هم قربانیانش را. اما یک جنگ اعلام نشده و یک جنایت در حال جریانی در متن جامعه سرمایه داری هست که همه اینجا اشاره کردند که قربانیانش از نظر تعداد کمتر از این نمونه های برجسته جنایت در تاریخ نیست. همانقدر آدم روانه گورستان میکند، همانقدر آدم روانه بیمارستان میکند، همانقدر خانه ها را از هم میپاشد، همانقدر شادی ها را به غصه و غم تبدیل میکند که هرکدام از این دوره های ننگ آور در تاریخ بشر. اما فرقی در این است که در این مورد قاتلین و جانین دارند کنار قربانیان خودشان قدم میزنند و کسی نمیتواند نشانشان بدهد و بگوید مسئول مرگ آن هزاران نفر این کسی

مصطفی صابر: نکته ای که در مورد ایمنی محیط کار هست، نه فقط در ایران بلکه در سطح جهانی، آمارهای بسیار بالا و وحشتناکی است که بورژوازی خودش از سوانح میدهد که برآستی باور نکردنی است. مثلا فرض کنید صدمات و لطمات محیط کار در فاصله دو جنگ از کل تلفات جنگ بیشتر بوده است. یا مثلا من فکر میکنم اگر در ایران تلفات جنگ را با آمار لطمات و تلفات ناشی از کار که با آمار جمهوری اسلامی سالانه حدود ۱۸۰۰۰ مورد بوده است، یعنی ۱۴۰۰۰۰ مورد برای هشت سال، مقایسه میکنیم میبینیم چندان کمتر از جنگ نبوده است. آمار کشته شدگان در محیط کار بگفته خودشان چیزی حدود ۵۰۰ کارگر ماهر است، که برای آنها کارگر ماهر مهم تر است. اینها را خیلی راحت میگیرند و میگذرند، انگار امری خیلی طبیعی است! میخواستم شما در این مورد صحبت کنید و اینکه چطور در قانون کار این اصلا فرض گرفته شده. منصور حکمت: "من میخواستم



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kazem.nikkhah@googlemail.com

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

شهلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

ماهواره هات برد ۸

فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۳/۴

پلازیاسیون عمودی (Vertical)

سایت کانال جدید:

آدرس تماس:

<http://www.newchannel.tv>

kanaljadid@yahoo.com

tv.internasional@yahoo.com

markazi.wpi@gmail.com

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

دفتر مرکزی حزب

راهها به کجا ختم خواهد شد...

از صفحه ۱

دیگر همین آش و همین کاسه است؛ و نکته مهم اینکه مشکل از "کشاورزان فقیر" است که نمی توانند درست و حسابی "کاشت و داشت و برداشت" کنند. اما نباید بی انصاف بود اینها همچین آدمهای بی وجدانی هم نبودند و برای اینکه هم خدا راضی باشد و هم شب که سر بالین میگذارند وجدانشان آسوده خاطر باشد "آنها همچنین موافقت کردند برای کمک به رسیدگی به مشکل کمبود غذا و جهش بهای مواد غذایی، بیشتر اقدام به مداخله جویبی انسان دوستانه کنند."

جناب "یان کی مون" دبیر کل سازمان ملل اخطار دادند سالانه ۲۰ میلیارد دلار برای مرتفع کردن بحران غذا نیاز است. و از آنجا که همه دولت‌های محترم موافقت کردند "بیشتر اقدام به مداخله جویبی انسان دوستانه کنند" از این رو یک سنت هم بابت این برآورد ۲۰ میلیارد دلار ندادند. "ناکدا کوپینیکا" نامی که گویا مشاور امور غذایی سازمان خیریه "اکشن اید" (که من شخصا نمیدانم این موسسه چه میکند اما ظاهرا موسسه مهمی است که از ایشان به عنوان منتقد کنفرانس سران نقل قول شده است) گفته: "هیچ نوع تعهد مالی قابل سنجش وجود ندارد. به غیر از منابع موجود کنونی سازمان خواربار جهانی، هیچ پولی برای رسیدگی به مشکل کلیدی افزایش ظرفیت (تولید) اعطا نشده است. اما خود سازمان خواربار جهانی تاکید کرده که هدف اجلاس رم تضمین کمک‌های مالی نبوده. با وجود آنکه اذعان دارد که این "سازمان بودجه خود را به کشاورزان باید 10 برابر کند- به حدود 30 میلیارد دلار برساند- تا آنها بتوانند غذایی مورد نیاز جوامع و کشورهای خود را تولید کنند."

در دوران باستان میگفتند "همه راهها به رم ختم میشود." و با این جمله عظمت و قدرت و ثروت حاکمان شهر رم به رخ مردمان آن زمان کشیده میشد. (با عرض معذرت از

محترم می اندیشد. اما تا یادمان نرفته باید پرسید این ۱۷۹ نفر سران که به شام دعوت شدند (موگابه هم دعوت نشده بود) شب نان و پنیر که تناول فرمودند. خرج همان یک شب شامشان چقدر شده است؟ از منابع موثق خبر رسیده که آنشب شام کوفت شان شده است از بس که در فکر شکمهای گرسنه مردمان جهان بودند و اینکه نمیتوانند بر "قوانین کور بازار" فایق آیند شام به ایشان زهر شده است. تازه احمدی نژاد حرف بدی زده گفته همه رو به معنویت آورید که مشکل همین جاست و "مقلد امام قدس سره" شوید. تازه حسن نیست خود را هم نشان داده و گفته است "ما حاضریم تجربیات خود را در مورد کنترل قیمت‌ها و حل مشکل گرانی در اختیار همه کشورها بگذاریم!" خب چرا از همین تجربه استفاده نمیکنند؟ که در عرض سه روز بتوانند قیمت چای و برنج و خیلی چیزهای دیگر را ۳۰۰ درصد افزایش دهند؟ البته احمدی نژاد چوب شجاعت خودش را میخورد که یک تنه در مقابل "امپریالیسم جهان‌خوار و نوکر مزدور صهیونیسم کافر" ایستاده. الان کلی "نیروهای مترقی؟! در جهان قریون و صدقه ایشان میروند.

کمی بیشتر در مورد دولت مهرورز خودمان بگویم. مشاور احمدی نژاد نکته ظریفی فرمودند که: تورم فی نفسه بد نیست و دلیل آوردند تورم بر اجناس لوکس حسن است نه عیب. ایشان صحیح میفرمایند چون از نظر ایشان و همان ۱۸۱ نفر رهبران کشورهای جهان توده مردم را چه به اجناس لوکس! کی گفته یک کارگر صبح که میخواهد برود سرکار مثلا باید خواربار بخورد. همان نان بربری با چای شیرین کفایتش را میکند. گیرم که همان الان قیمت خون پیدا کرده است و چیزی نمانده جزو اجناس لوکس شود. در راستای همین حسن تورم، دولت "مهرورز" و جدیدا متعارف شدن دولت اسلام را یافته و همین روزهاست که به شیوه متمدنانه مردم را استثمار کند. هر چه باشد "مکلا" است و معمم نیست، گیرم که تا مغز استخوان به شیوه معمین

چقدر در فکر مردم تهیدستند. یک کارگر که زیر پایش بنز نیست این "قشر مرفهین بی درد" است که با این ماشین در خیابانها جولان میدهند. گیرم که شش ماه بعد دولت مهرورز متوجه میشود که "قشر آسیب پذیر" هم زیادی ماشین سواری میکند برای حفظ محیط زیست نیز ایشان را هم وادار میکند برای بنزین معمولی لیتری ۴۰۰ تومان بپردازند. ایشان کاری ندارند که با این اقدامشان ماشینها با مصرف سوخت پایین قیمتش را بالا میکشد. این دیگر قوانین کور بازار است که عمل میکند که از دست هیچ بنی بشری ظاهرا کاری بر نمی آید. و همین ماشینها جزء اجناس لوکس میشوند

ایمنی و بهداشت محیط کار...

و عده خیلی بیشتری از پیر و جوان و بچه کور و معلول شدند. این اتفاق را کارگر انگلیسی اجازه نمیدهد به اینصورت در جامعه انگلستان رخ بدهد. اما سرمایه دار انگلیسی کارخانه ای را که کارگر انگلیسی اجازه نمیدهد در این کشور نصب شود بر میدارد و میبرد هندوستان چون آنجا جان آدم ارزش ندارد. خود دولت هندوستان میگوید جان کارگران ما ارزش ندارد. بازارش دارد میگوید جان کارگران ما ارزش ندارد. کارخانه تان را بیاورید، از کارگران استفاده کنید و هر وقت هم نخواستید دور بیاندازید. در همان هندوستان در همان دوره فاجعه بویال گزارشی بود از یک کارخانه تولید اسبستوس. ماده ای است نسوز برای ایزولاسیون و عایق صنعتی که در کلاچ و ترمز ماشین هم هست و غیره. در اروپا اگر کارگر متوجه بشود که در فلان ایزولاسیون اسبستوس بکار رفته اتحادیه فوراً دستور میدهد که تکان نخورید، دست نزنید، متخصص باید با وسائل خاصی بیاید و آن یک پاکت اسبستوس را پاک کند. چون سرطان خاصی در ریه ایجاد میکند. اما در همان هندوستان و مطمئنا در

و برای حال مردم تهیدست مضر. پس از هر نظر که بنگریم تورم بد نیست که مفید است! حالا ماشین سواری پیشکش مان، کی گفته مردم باید آدامس بچوند یا چیپس بخورند یا بستنی لیس بزنند یا چه میدانم پفک برای بچه ها بخرند. این عین مصرف گرایی است که از غرب سرچشمه گرفته و دنبال تجملات رفتن است این است که گران شدن ۳۰ تا ۴۰ درصدی آنها حتما حسن است! "اجناس ضروری" که یکباره صددرصد گران شده است مسئله مهمی نیست این را هم دولت گفته دست مافیا را رو خواهد کرد و این اجناس هم قیمتش ثابت خواهد شد،

صفحه ۴

از صفحه ۲

کشوری مثل ایران کیسه اسبستوس را مثل کیسه سیمان داده اند دست یک نفر پاره‌زنه از این گوشه انبار به آن گوشه ببرد و گرد و خاک آن هم در هوا پخش بشود. این یعنی سرمایه دار و دولت سرمایه داری در این کشورها دارد میگوید که من در این کشور کاری کرده ام که جان آدم ارزش ندارد. کارگران ما مفت هستند، بیایند مصرف کنید و دور بیاندازید. یا خیر ریزش معادن و حبس شدن کارگران زیر زمین. دهها و صدها نمونه از اینها هست که فقط موارد برجسته آن را در روزنامه ها مینویسند. ولی این یک جنایت در حال جریان و دائمی است.

"برگرفته از کتاب "کار ارزان کارگر خاموش"، فصل دوازدهم- ایمنی و بهداشت محیط کار. این کتاب حاوی متن کتبی میزگردی است حول قانون کار جمهوری اسلامی که در اسفند ۶۸ و فروردین ۶۹ به ابتکار منصور حکمت برپا شد و به ویراستاری وی بصورت کتاب درآمد.

راهها به کجا ختم خواهد شد... از صفحه ۳

(ارزان نخواهد شد.) راستی این دولت اینقدر به فکر مردم است یک وقت پس نیفتد!!

بهر حال "کارشناسان" این دولت که درس خوانده دانشگاه هستند فهمیدند که عیب از خود ما مردم است که "فرهنگ شایعه" سازی مان قوی است. همین گران شدن یک روزه چای از ۷ هزار تومان به نزدیک ۳۰ هزار تومان و قند به ۱۷۰۰ تومان فقط و فقط نتیجه "شایعه پذیری" ما مردم است. و گر نه دولت قول شرف میدهد که انبارها پر است. مگر مردم معتقدند انبارها خالی است؟ مصیبت همین جاست که انبارها پر است در این مملکت ماشاله همه چیز است اما کو قدرت خرید برای مردم فقیر؟

"قوانین کور بازار" الان حکم کرده که نفت بشکه ای ۱۳۷ دلار باشد. اینهمه کارشناس اینهمه برنده جایزه نوبل در اقتصاد و یک کرور استاد دانشگاه در علم اقتصاد نمی توانند این قوانین را کشف کنند، اما همه این عالیجنابان برای کسب سود بیشتر یکصدا متفق القولند که باید از دستمزدها زد تا سود تامین شود. ما با همین نیمچه سوادمان با یک حساب دو دوتا چهار تا میتوانیم درک کنیم که دولتی که درآمد خودش را مثلاً بر اساس هر بشکه نفت ۳۷ دلار بسته و بابت هر بشکه ۱۰۰ دلار بیشتر دریافت میکند میتواند از این مابه التفاوت آن در جهت بهبود زندگی مردم خرج کند، که نمی کند. به گفته خبرنگاران شاغل در جمهوری اسلامی، در سال گذشته ۳۲ هزار میلیارد دلار از فروش نفت در هیچ دفتری ثبت نشده و این پول عظیم در میان راه ناپدید شده است! قوانین کور بازار فی الواقع خیلی روشن هستند به روشنی تابش خورشید در صلاه ظهر، اما وقتی قرار نیست یک ریال مثلاً از این ۳۲ هزار میلیارد تومان برای مردم خرج شود به تاریکی نیمه شب میشوند که

هیچ عالمی قادر به کشف آن نیست. البته علمای علم اقتصاد بورژوازی باید هم خودشان را به نفهمی بزنند در واقع آنها بر چشم مردم خاک میباشند تا کسی متوجه نشود که این درآمد سرشار از گرانی بی حد و حصر اخیر به کجا سرازیر میشود. همه علمای علم اقتصاد بورژوایی در ایران (و جهان) مو را از ماست میکشند بیرون تا ثابت کنند مقدار حقوق یک کارگر باید با حساب و کتاب ایشان یک سوم خط فقر باشد تا چرخ اقتصاد به زعم ایشان بچرخد. به دقت ریاضی به شما ثابت خواهند کرد که یک ریال اضافه دادن به یک کارگر چه ضرر عظیمی به "پیکر اقتصاد کشور" خواهد بود. میگویند باید "دوران ریاضت اقتصادی" را از سر گذرانند. اینجاست که ملا میشوند و می فرمایند: "دیگران کاشتند ما خوردیم، ما بکاریم تا دیگران بخورند!" که فی الواقع صحیح آن از زبان آنها این است که "دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما بخوریم دیگران بکارند" تمام شالوده اقتصاد بورژوازی همین است و بس. و همه علمای اقتصاد آن هم جمع شدند تا توجیه کنند این ستمکاری تاریخی را. دوست داریم که حقوق ایشان برای همچین تفحصاتی یک سوم خط فقر تعریف کنند تا باز هم ببینیم ملا میشوند یا خیر؟

نتیجه

مارکس اما در ۱۵۰ سال پیش نشان داد که این قوانین کور چی هستند و چگونه اعمال میشوند. و در واقع نشان داد که این قوانین روشن و واضح است. نشان داد اقتصاد جامعه بورژوازی بر اساس سود سرمایه دار است. در بازار چی حاکم باشد را این سرمایه دار است که حکم میکند. امروز در سطح جهان وسایل تولید به چنان پیشرفت عظیمی رسیده است که میتواند به راحتی وسایل رفاه جمعیت کنونی جهان را فراهم نماید.

اما سرمایه داران جهان سود شان نزول کرده برایشان نمی صرفد که دست به تولید مواد غذایی بزنند به همین سادگی. ۱۸۱ رهبر هم که گرد هم آمدند نیز به همین نتیجه رسیدند که فعلاً تولید مواد غذایی به صرفه نیست بماند تا ۲۲ سال دیگر به همین راحتی با جان ۶ میلیارد انسان بازی میکنند. قوانین کور بازار ایشان هیچ بیانی ندارد جز اینکه دول همه کشورها چشمانشان را به مصائب مردم بسته اند. و هیچ مهم نیست که بر سر مردم در ابعاد میلیاردی چه خواهد آمد. از احمدی نژاد گرفته تا بوش، سارکوزی، براون، حاکمان نظامی برمه، قذافی تا ملک عبدالله تا فلان حاکم در فلان گوشه کرد زمین دست به دست هم داده اند تا سود سرمایه داران تضمین شود. برای این هر قدر لازم باشد مردم را قربانی خواهند کرد. نمونه اقدامات مداخله جویانه انسانی ایشان را هر روز مشاهده میکنیم نمونه آخرین آن اجلاس در شهر رم بود.

برای ما کارگران فقط یک راه است. و آن تغییر اساس تولید جامعه است که بر اساس نیاز انسانها باشد نه سود شخص سرمایه دار و برای آن یک راه بیشتر نیست در ابتدا سرنگون کردن دولت سرمایه داری است تا بتوان بر اساس احتیاج انسانها تولید را سازمان داد. این دول دیگر امروز حتی تکه استخوان را هم برای ما پرتاب نمیکند، حکم به گرسنگی ما مردم تهیدست داده اند باید سرنگونشان کرد تا همگان شاهد باشند ۲۲ سال لازم نیست که تازه هنوز سود و تولید دو برابر شود؛ بلکه در زمانی بسیار کوتاه و در حد رفاه کامل انسانها باید تولید سازمان داده شود و در خدمت همه انسانها قرار گیرد. در جامعه ای که ملاک رفاه انسانها باشد این امکان پذیر و شدنی است. باید همه راهها به انسان ختم شود تا یکبار هم شده شکوه و عظمت واقعی انسان به نمایش درآید.*

به حمایت از کارگر هفت تپه ... از صفحه ۱

در سراسر ایران انعکاس و تاثیر تقویت کننده خواهد گذاشت. مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه تاکنون مورد حمایت بخشهای متعددی از کارگران قرار گرفته است. بخشهایی از کارگران لولمه سازی اهواز، کشت و صنعت کارون، ایران خودرو شرکت واحد و متروی تهران، پلی اتیلن کرمانشاه، شاهی سنندج، نساجی سنندج، پریس سنندج، پستههای ۲۳۰ کیلووات آبیگ قزوین، پالایشگاه نفت پارس در تهران، کارگران فنی و عمران و سازهای تهران، ایران خودرو، نبروگاه برق تهران، مرکز کنترل متروی تهران، معدن فسفات و میگون تهران و شماری از تشکلهای و شخصیتهای مختلف تا اینجا از این مبارزه اعلام حمایت کرده اند. این حد از حمایت بسیار امیدبخش است و یک پیشروی جدی و یک جهتگیری بسیار تعیین کننده و اساسی را در جنبش کارگری نشان میدهد.

اما اگر این مبارزه را بعنوان بخشی از مبارزه سراسری مردم ایران برای مقابله با تهاجم مفت خوران سرمایه دار و حکومت آنها بحساب آوریم که چیزی جز این نیست، آنگاه متوجه میشویم که این حد از حمایت کافی نبوده و نیست. متوجه میشویم که صدای کارگران هفت تپه میبایست قدرتمندتر در سطح جامعه طنین می انداخت. متوجه میشویم که مردمی که فغانشان از گرانی و گرسنگی و فقر در همه جا بلند شده است، یک راه ساده تقویت خود را که حمایت از این نوع مبارزات و کانونهای مقاومت و اعتراض است بخوبی نمیشناسند. کارگر هفت تپه دارد برای گرفتن دستمزدش مبارزه میکند. کارگر هفت تپه دارد برای به دست آوردن حق بدبهبی اش یعنی تشکل مبارزه میکند. کارگر هفت تپه دارد برای حق مبارزه و اعتراض کردنش مبارزه میکند. اینها خواستههای

صفحه ۵

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه همچنان ادامه دارد

کارگران با هیچ وعده و وعیدی کوتاه نمی آیند

هم اکنون دور سوم اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در جریان است. این اعتراضات از ۱۶ اردیبهشت شروع شد و همچنان ادامه دارد. کارگران همچنان بر روی خواسته‌هایشان مصر هستند. این کارگران در سال گذشته نیز بارها در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهایشان و با اعلام اینکه داشتن تشکل و برپایی مجامع عمومی کارگری را حق مسلم خود میدانند، دست به اعتصاب زدند. بویژه اعتصاب ۱۱ روزه مهر ماه سال گذشته کارگران نیشکر هفت تپه با شعار کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم و با راهپیمایی با شکوهشان انعکاس وسیعی در سطح جامعه داشت. بدنبال این مبارزات بود که کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کردند که اجازه نمیدهند که پرداخت دستمزدهایشان به تعویق بیفتد و تا کنون بطور واقعی نیز برای آن مبارزه دائمی کرده اند. مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه تاثیرات خود را بر روی اعتراضات بخش های دیگر کارگری بر سر دستمزدهای پرداخت نشده گذاشته است و امروز در بسیاری از مراکز کارگری شاهد این هستیم که به محض تعویق پرداخت دستمزدها کارگران دست به اعتراض میزنند.

میشود در تهران است، به کارگران وعده داده شد که حقوق معوقه آنها عصر همان روز پرداخت میشود اما کارگران شعار دادند که به این وعده وعدهها هیچ باوری ندارند و تا زمانی که خواسته‌هایشان برآورده نشود به مبارزه خود ادامه خواهند داد. از این روز کارگران بخش آبیاری برای جلوگیری از خشک شدن مزارع با توافق عمومی کارگران سر کار برگشتند.

صبح روز سه شنبه ۲۱ خرداد شهر شوش صحنه جدال خونین کارگران هفت تپه و رژیم اسلامی سرمایه بود. کارگران در ادامه اعتراضاتشان باری دیگر به خیابان آمدند و در برابر فرمانداری شوش تجمع کردند.

ساعت هشت صبح امروز در ۳۷ مین روز اعتصاب، کارگران هفت تپه با پلاکاردهای "معیشت، زندگی حق مسلم ماست" و "کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم گرسنه ایم" وارد شهر شوش شدند و از روبروی تربیت بدنی و بیمارستان مافی راهپیمایی خود را آغاز کردند. یکساعت بعد وقتی صف کارگران به خیابان و میدان چهار دستگاہ رسید، کارگران مورد هجوم وحشیانه نیروی انتظامی و یگان ویژه رژیم قرار گرفتند.

بسیاری از کارگران در اثر اسپری و ضربات باتوم مجروح

شدند و تعدادی نیز دستگیر شدند. از جمله نجات دهلی نو یکی از فعالین شناخته شده نیشکر هفت تپه در این روز مورد ضرب و شتم نیروهای انتظامی رژیم قرار گرفت و بنا به گزارش دست و دندانهای آرواره جلوی او آسیب دیدند. او در این روز بازداشت و زندانی شد. اما کارگران روز بعد نیز به اعتصاب خود ادامه دادند و دستگیر شدگان نیز در نتیجه فشار اعتراض متحد کارگران با قید وثیقه از زندان آزاد شدند.

روز ۲۲ خرداد کارگران به کارخانه رفتند. اما درب کارخانه بسته بود و کارگران در مقابل درب کارخانه تجمع کردند و بر خواسته‌هایشان پافشاری کردند. در این روز کارگران بخش آبیاری نیز در اعتراض به حمله روز قبل سرکوبگران رژیم به تجمع کارگران، دست از کار کشیدند و در همبستگی با سایر کارگران اعتصاب کردند.

روز ۲۳ خرداد کارگران نیشکر هفت تپه در محوطه کارخانه و در مقابل دفتر مدیریت جمع شدند و خواسته‌های خود را پیگیری کردند. در این روز کارگران بخش آبیاری دوباره به سر کار خود بازگشتند. بدین ترتیب اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه سی و هشتمین روز خود را پشت سر گذاشت.

نمایشگاه عکس در استکهلم سوئد در همبستگی با اعتراضات

کارگران نیشکر هفت تپه



به حمایت از کارگر هفت تپه ... از صفحه ۴

موقع پرداخت شود؟ میبایست شاهد این بودیم که به این کارگران و خانواده‌هایشان سیل کمکهای مالی مردم سرازیر میشد که زیر فشار فقر کمربارزه شان را نشکنند. باید شعار "ما از کارگران هفت تپه حمایت میکنیم" بر درو دیوار تمام شهرها نوشته میشد. میدانم که حس حمایت و سمپاتی بسیار وسیع است. اما حرف من این است که این حس کافی نیست باید بیان شود. باید ابراز شود. باید شنیده شود. ما کارگران و مردم باید یاد بگیریم و راههایش را پیدا کنیم که از مبارزات هم سرنوشتان و هم طبقه ای‌هایمان در هر گوشه‌ای که بیرون میزند فعالانه تر و موثرتر و وسیعتر حمایت کنیم و آنها را تقویت کنیم.

مبارزات هم سرنوشتان و هم طبقه ای‌هایمان در هر گوشه‌ای که بیرون میزند فعالانه تر و موثرتر و وسیعتر حمایت کنیم و آنها را تقویت کنیم. بدون شك قدم بعدی پیشروی مبارزه کارگران و مردم علیه یک تازی مفت خوران سرمایه دار و حکومت همین است که هرجا جنگی درگیر میشود به کمک هم طبقه ای های خود بشتابند. بسیار وسیع تر و سریع تر بشتابند. و حکومت را متوجه کنند که با یک بخش از کارگران یا مردم طرف نیست.

کارگران هفت تپه بسیار حساب شده و هوشیارانه عمل کرده اند. توانسته اند زیر سرکوب و لشکرکشی حکومت یک نیروی چندین هزار نفری را متحد نگه دارند و با دست خالی تا اینجا به مبارزه خود ادامه دهند. این مبارزه تا اینجا یک شکست برای جمهوری اسلامی بوده است. زیرا نتوانسته است علیرغم تمام دستگاه سرکوب و سانسور و قوانین خفقان آورش، مانع این شود که صدای کارگران حق طلب بطور قدرتمندی شنیده شود. این صدا به یمن وجود حزب کمونیست کارگری و کمپین گسترده اش در حمایت از کارگران هفت تپه، اکنون

در تمام ایران و گوشه و کنار جهان بگوش میرسد. حتی برخی مقامات حکومتی به دست و پا افتاده اند و به دولت انتقاد میکنند که چرا مشکل این کارگران را حل نمیکنید که اینهمه تلویزیونهای اپوزیسیون هرروز آنرا در بوق و کرنا نکنند و کمپین برایشان راه نیندازند. تلاش ما بعنوان حزب کمونیست کارگری اینست که همین جنب و جوش و مبارزه سراسری را فعال کنیم. دست همه کارگران و مردم محروم را در دست هم قرار دهیم. وجود این حزب با تلویزیون و امکانات و کادرها و قدرت سیاسی عظیمش نیز يك استشنا در شرایط سیاسی ایران است که باید آنرا دید و آنرا ارج گذاشت و آنرا تقویت کرد و به همه معرفی کرد. امروز این حزب با رسانه هایش به خانه میلیونها کارگران و مردم وارد شده است. امید بسیاری را در میان مردم دامن زده است. و روزی که این کارگران و مردم بویژه رهبران و فعالانشان وسیعا به این نتیجه برسند که برای پیشروی باید حزیشان را تقویت کنند و به آن پیوندند و مبارزه شان برای زندگی انسانی را از طریق و به کمک و تحت رهبری این حزب به پیش ببرند، هیچ تردیدی در پیروزی قریب الوقوع مبارزه و جنگی که کارگران و مردم در آن درگیرند نباید داشت. بهررو تا آنجا که به کارگران هفت تپه و مبارزه آنها مربوط میشود تلاش ما اینست که این مبارزه را به مبارزه همه مردم تبدیل کنیم و تعلق به این مبارزه را در میان همه بخشهای کارگران و مردم دامن بزنیم و راه حمایت کردن و تقویت کردن آنرا به همه نشان دهیم. دست همه کارگران هفت تپه را میفشاریم و عزم جزمشان را ارج میگذاریم.

مروری بر مبارزه ...

از صفحه ۱

کارگران پایان رسید. سایت "اتحاد" در خبر دیگری که در روز ۱۶ خرداد درج کرده بود، خبر از "احتمال پیوستن کارگران کوره های آجرپزی شبستر و میانواب" به این اعتصاب داد و همچنین خبر از اعتصاب کارگران کوره های آجرپزی تاکستان را نیز درج کرده بود. اعتراض کارگران این مراکز درست از همان نقطه ای که بطور کلاسیک کارگر با سرمایه دار وارد رابطه و کشاکش می شود، شروع شده بود. بر سر دستمزد. اما قبل از پرداختن به این اعتراض ها، اجازه بدهید ابتدا بصورت خیلی خلاصه به وضعیت زندگی این کارگران اشاره ای بکنیم.

زندگی، کار و دیگر هیچ!

بخش عمده ای از کارگران کوره پزخانه هایی که حداقل این دوره وارد اعتراض شده اند، کارگران فصلی ای هستند که از روستاهای اطراف شهرهای کردستان* با خانواده و بطور دسته جمعی برای کار در فصل آجرپزی به این مراکز کوچ می کنند. این کارگران، که بصورت خانوادگی، از زن و کودک و پیر و جوان، در این مراکز مشغول بکارند، در شرایطی بشدت غیرانسانی کار کرده و روزگار می گذرانند. این خانواده ها گاهی تا ده نفر در یک آلونک بسیار کوچک و با نبود ابتدائی ترین امکانات زندگی، از قبیل آب لوله کشی شده، برق، یخچال، توالت و دستشویی و حمام و غیره "زندگی" می کنند. دستمزدها بشدت پائین است و بدلیل کنتراتی بودن کار، گاهی ساعات کار به بیش از ۱۵ و ۱۷ ساعت هم کش پیدا می کنند! این کارگران که کارشان فصلی است، در ایامی که مراکز کارشان تعطیل است، از بیمه بیکاری بی بهره هستند. علاوه بر همه اینها، در روزهای بارانی و هوای بد که آجرپزی غیرممکن می گردد، این کارگران دستمزدی دریافت نمی کنند. به این دلیل هم در واقع کارگر فصلی یا نیمه بیکار هستند.

جانب نیروهای تحت تأثیر افکار توده ایستی مورد شماتت قرار می گرفتیم که حزب کمونیست ایران، حزب کارگران کوره پزخانه هاست! کارگران و رهبران آنها بدرست تنها حزب کمونیست ایران آن دوره را (بخصوص بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران)، حزب خود می دانستند و در تماس نزدیک با آن بودند.

برگردیم به مبارزه این دوره این کارگران.

دور دیگری از مبارزه کارگران کوره پزخانه ها

در هر سال کاری کارفرما سعی می کند کارگران را بعد از بازگشت بکار، با همان دستمزدهای سال پیش به کار گمارد. بطور قطع این مسئله باعث سازمانیابی کارگران شده است. کارگران خود را هر سال مجبور می بینند که حتی قبل از شروع کار با کارفرما شاخ بشاخ شوند. و این تجربه به کارگران آموخته است که نمایندگان خود را تعیین کرده و موضوع را حتی قبل از اینکه فصل کاری شروع شده باشد، پیگیر شوند.

مبارزات این دوره کارگران با توجه به وضعیت فعلی جنبش کارگری، از جهاتی باید مورد توجه قرار گیرد. مهمترین نکته در مبارزات این کارگران، علیرغم کمبودها و نقائصی که در ادامه این نوشته به آن پرداخته خواهد شد، این است که مبارزه را بر سر افزایش دستمزدها شروع کرده اند. این موضوع بخصوص از این جهت مهم است که تعدادی از فعالین کارگری در اوائل امسال کمپینی را برای افزایش دستمزد با جمع آوری امضاهای زیادی و در تعدادی از مراکز کارگری شروع کردند. کارگران کوره های آجرپزی ارومیه و قرچک، و دیگر کوره هایی که خود را برای ورود به این اعتراض آماده می کنند، در واقع این کمپین را بطور عملی به پیش می برند. نکته مهم دیگری که در خبر مربوط به اعتصاب کارگران کوره های ارومیه آمده است، این است که این کارگران پیشنهاد

کارفرما را برای افزایش دستمزد. میزانی که ایشان تعیین می کند - رد کرده اند. کارگران به وضع زندگی خود و به تورم حاکم بر جامعه نگاه می کنند و افزایش دستمزد را از این زاویه مطرح می کنند. این یک نکته بسیار مثبت و مهم است. بحث بر سر دستمزدهای پرداخت نشده نیست. بحث بر سر این است که کارگر دستمزد بیشتر می خواهد و بنظر من باید نه تنها دستمزد بیشتر بلکه دستمزدی کافی که زندگی کارگر را در حد استاندارد بالایی تامین کند و متناسب با تورم افزایش یابد بخواهد. نکته ای که نمونه ای از آن در اعتصاب این دوره کارگران کوره ها دیده می شود. حسین محمودی، یکی از کارگران کوره های آجرپزی ارومیه، در مصاحبه با "رادیو شکوفه ها"، مطالبات کارگران را اینگونه بیان می کند: افزایش دستمزد بر مبنای تورم، تأمین ابزار کار توسط کارفرما، امکانات بهداشتی و بیمه.

نکته دیگری که بلوغ سیاسی بالائی را، بخصوص در اعتراض کارگران کوره های قرچک به نمایش می گذارد، اعتراض به مترسک های "خانه کارگر" بعنوان نمایندگان کارگران است. شاخک های "خانه کارگر" تحت عنوان "انجمن صنفی کارگران" در یک همدستی با کارفرماها قراردادی را امضا می کنند که شدیداً مورد اعتراض کارگران قرار می گیرد. سایت "دسترنج" که خود سر به این نهاد دولتی است، شروع اعتراض کارگران کوره های قرچک را اعتراض به همدستی ضمنی "انجمن صنفی کارگران" با صاحبان کوره ها، که بدون اطلاع کارگران با قراردادی با صاحبان کوره ها در صدد تحمیل دستمزدی پائین به کارگران بوده است، عنوان کرده است.

در واکنش به اعتراض کارگران کوره های ارومیه، کارفرمای یکی از کوره های قطلو پیشنهاد افزایش ۵۰۰ تومان می دهد یعنی بجای ۹۵۰۰ تومان برای هر هزار خشت به آنها ۱۰ هزار تومان

را پیشنهاد میدهد. اما کارگران بر افزایش دستمزد تا ۱۵ هزار تومان پافشاری کرده اند. در قرچک هم، کارفرماها به افزایش دستمزد تا ۱۴ هزار تومان رضایت داده اند، گرچه کارگران اعتصاب خود را با خواست افزایش دستمزد تا ۱۵ هزار تومان شروع کرده بودند.

نکته دیگری که در اخبار مربوط به اعتراض کارگران کوره های ارومیه آمده است، این است که این اعتراض، همچنانکه بالاتر به آن اشاره شد، سازمان یافته است. کارگران تمام کوره های آجرپزی در آن شرکت کرده اند و اعتراضات خود را ابتدا از طریق امضاء تومار و تومار گردانی و با آماده کردن کارگران، و سپس از کانال نمایندگان خود مطرح کرده اند. این مسئله نه تنها برای سازمانیابی کارگران یک رشته خاص تولیدی مهم است، بلکه این امکان را نیز برای آنها فراهم می آورد که این نمایندگان با کارگران کوره پزخانه های دیگر در دیگر نقاط ایران هماهنگی بوجود بیاورند و مبارزه خود را وسعت بخشند. در نمونه خاص ارومیه هر کوره نماینده ای را برای مذاکره با صاحبان کوره ها و پیگیری مطالباتشان بر می گزینند که خود این، کارگران را در یک موضع بسیار بهتری قرار می دهد. خریدن و مرعوب کردن ۹۰ نماینده از ۹۰ کوره برای کارفرما و دولتشان غیرممکن است.

نقاط ضعف این مبارزات

آنچه که در نگاه اول توجه هر ناظر و خواننده ای را به این خیرها جلب می کند، ساعات طولانی کار کارگران این مراکز است. این ساعات طولانی حتی اضافه کاری هم نیست! ۱۵ و حتی ۱۷ ساعت کار! تبهکاری به معنای واقعی کلمه. سرشت این تبهکاری در کار

مروری بر مبارزه ...

از صفحه ۶

کنتراتی است که کارفرما به این کارگران تحمیل کرده است. کار کنترات برای این بخش از کارگران در واقع همانند کارگران قالببافی و کشاورزی است که کارگر ظاهرا مجبور نیست سر ساعت خاصی کار را شروع و یا تمام کند! کار کنتراتی کارگر را کور می کند. می خواهد رکورد دیروز خودش را بشکند. می خواهد دو تا خشت بیشتر بزند. می خواهد وقت غذاخوری و دستشویی اش را چند دقیقه ای عقب بیاورد. همه اینها را می کند بدون اینکه احساس کند دارد برای کس دیگری ثروت تولید می کند و از زندگی خود مایه می گذارد. یک خشت بیشتر یعنی چند تومان بیشتر!

کارگران کوره های ارومیه در ازای هر هزار عدد آجر ۹۵۰۰ تومان دریافت می کنند. و گزارش سایت "اتحاد" می گوید که این کارگران از ساعت ۴ صبح تا ۷ عصر می توانند ۲ هزار عدد آجر تولید کنند. با یک محاسبه سر انگشتی چنین به نظر می آید که این کارگران در یک ماه ۳۰ روزه، با تعطیلی فرضا جمعه ها، دستمزدی حدود ۲۴۴ هزار تومان دریافت می کنند. اما در واقع این دستمزد را در روز کار ۱۵ ساعته و با کمک کل خانواده از کودکان چهار پنج ساله گرفته تا پدر و مادر و گاها والدین پدر و مادر به دست می آورند! بطور متوسط یک خانواده ۵ نفره در ماه دستمزدی ۲۴۴ هزار تومان با روز کاری ۱۵ ساعته به دست می آورد. این را دیگر حتی نمی توان استعمار هم نام نهاد! وحشیگری ای است که سرمایه داری در بلبشوی حکومت اسلامی بر خانواده کارگران تحمیل کرده است. در چنین وضعیتی مشکل نهفته ای که خانواده کارگر با آن روبروست این است که سر ماه این خانواده چقدر پول پس انداز کرده است. از آسایش، رفاه نسبی، خواب، خورد و خوراک، و هر چیز دیگری که هزینه بردار می زند تا اینکه سر

بایات تر معمولا دارای سازمان پائین تری هستند. اما نکته ای که کارگران مهاجر کوره پزخانه ها را از بسیاری دیگر از کارگران فصلی و کنتراتی متمایز می کند، این است که بخش عظیمی از این کارگران مهاجرانی هستند که از کردستان، سرزمینی که دارای بیشترین تحزب و حد بالائی از نفوذ نیروهای چپ و سوسیالیست، و ایده های آزادیخواهانه است به این کوره ها برای پیدا کردن کاری مهاجرت کرده اند. نکته ای که در مبارزات دوره قبل کارگران کوره پزخانه ها مشهود بود.

توطئه و مقابله کارفرماها و دولت با کارگران

همچنانکه دور از انتظار نبود، کارفرماها در همدستی با رژیم شان از هیچ ترفندی برای به زانو در آوردن کارگران و شکستن اعتصابشان دریغ نکرده اند. کارگران کوره های ارومیه لیست مطالباتشان را ابتدا به اداره کار، فرمانداری، استانداری و کارفرمایان می دهند که مورد بی اعتنائی قرار می گیرد. سپس در جواب به تجمع آنها پلیس ۱۱۰ سراغشان فرستاده می شود. کارفرماهایی برای مقابله با این اعتصاب نه تنها پلیس و بسیجی سراغ کارگران و خانواده هایشان فرستاده اند، بلکه با دست زدن به اعمالی غیرانسانی از قبیل قطع گاه و بیگانه آب و برق؛ خاموش کردن حمام های کارخانه ها به بهانه خراب بودن؛ ممانعت از آمدن فروشندگان ارزاق عمومی به محل زیست کارگران و غیره شروع به فشار وارد کردن و اذیت و آزار کارگران و خانواده های آنها کرده و سلامتی کودکان کارگران را به مخاطره انداخته اند.

در کوره های ارومیه، کارفرماها با گماردن نگهبانانی سعی کردند از ارتباط کارگران کوره ها با همدیگر جلوگیری کنند، که مورد اعتراض کارگران قرار گرفت و کارفرماها مجبور شدند از این عمل منصرف شوند.

نکته دیگری هم که در اعتراض کارگران به چشم می خورد، حمایت قاطعانه از نمایندگان خود است. کارگران نه تنها قاطعانه بر مطالبات خود پافشاری کرده اند، بلکه قاطعانه و یکپارچه هوای نمایندگان خود را نیز دارند. کارفرمای یکی از کوره ها به نماینده کارگران آن کوره می گوید که ایشان می تواند وسایلش را جمع کند و برود. در مقابل این گردن کلفتی کارفرما، همه کارگران ابزار کارشان را جمع کرده و جلوی درب دفتر کوره گذاشته و اعلام می کنند که اگر ایشان برود ما نیز خواهیم رفت. همین اتحاد کارگران کارفرما را وادار به عقب نشینی می کند.

همچنین در کوره های قرچک، یکی از مسئولین خانه کارگری "انجمن صنفی کارگران"، که دستمزدهای پائین را به کارگران تحمیل کرده بود، می گوید که اعتصاب کارگران توسط "عناصر غیرکارگر" دامن زده شده است! او همچنین از کارگران می خواهد که این "عناصر" را به کارفرما و ایشان معرفی کند که کارگران هم با تمام تلاش از نمایندگان خود حمایت کرده و هویت آنها را از دولت آقای بهشتی - مسئول خانه کارگری - مخفی نگه می دارند.

حمایت کنید

مهم این است که امروزه بخشی از کارگران، که اتفاقا مورد بیشترین ستم و نابرابری قرار گرفته اند، در اعتصاب بسر می برند. بنظر می آید که این کارگران حمایت خانواده ها و همکاران خود را پشت سرشان دارند. دارای نمایندگان هستند که مطالبه افزایش دستمزد کارگران را دنبال می کنند و مصمم هستند که به هر نوع افزایشی هم تن ندهند. اعتصاب این کارگران همانند هر اعتصاب کارگری دیگری در ایران شایسته حمایت های بی دریغ است. این کارگران نباید خود را تنها احساس کنند؛ که بخش های دیگر جامعه نسبت به زندگی و مطالبات آنها بی اعتنا

است. بخصوص مبارزه بر سر افزایش دستمزد امروزه دیگر مطالبه تمام کارگران است. کارگران مصمم اند که تا رسیدگی به مطالباتشان به مبارزات خود ادامه بدهند و حسین محمودی، بعنوان یکی از نمایندگان کارگران از همه کارگران و نهادهای کارگری و مدنی بین المللی انتظار دارد که از کارگران حمایت کرده، بیابنه بدهند و فشارهای جمهوری اسلامی را محکوم کنند.

مبارزه کارگران در ایران امروزه دارای هر نقص و ایرادی که باشد، مدرسه ای است برای مبارزات بعدی و رادیکال تر کارگران. این مبارزه همراه با مبارزه کارگران هفت تپه، می تواند راه را برای مبارزات وسیعتر و در مراکز بیشتری هموار کند. اگر کارگری مبارزه ای را شروع نکرده باشد، و در طول مبارزه به قدرتش پی نبرده باشد، حتی دست زدن به مبارزه و اعتراض یک کار غیرممکن بنظر می رسد. چرا که کارگر خودش را نه تنها با سرمایه دار مشخص، بلکه با کل دم و دستگاه دولت اسلامی حامی آن سرمایه دار مشخص هم روبرو می بیند.

۱۷ خرداد ۸۷، ۶ ژوئن ۲۰۰۸

توضیح

این مطلب نسخه جرح و تعدیل شده مطلبی است که اولین بار تحت عنوان "کار کنتراتی کارگر را به رقابت با خود می کشد!" در نشریه ایسکرا نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری شماره ۴۱۷ منتشر گردید. نسخه پیش روی بر مبنای اخبار و اطلاعات جدیدی، بخصوص مصاحبه حسین محمودی با "رادپو شکوفه ها"، اخبار جدید مندرج در سایت "اتحاد" و مطلب "اعتصاب کارگران و سکوت نهادهای صنفی" مندرج در سایت "دسترنج" تنظیم گردیده است.

* اصلاحات ارضی محمدرضا

اخبار اعتراضات کارگران کوره پزخانه ها

بر گرفته از سایت "اتحاد"

۱۵ روز اعتصاب کارگری در قرچک

بیش از ۸۰۰ کارگر شاغل در ۳۰ کوره آجرپزی قرچک در اعتراض به کمی دستمزد دریافتی از دو هفته گذشته تاکنون دست از کار کشیده و در محل واحد خود اعتصاب کرده‌اند.

اعتصاب صدها کارگر شاغل در ۳۰ کوره آجرپزی قرچک با گذشت ۱۵ روز همچنان ادامه دارد.

"اغلامرضا فرجیان" فعال کارگری در ورامین با بیان این مطلب به دسترنج گفت: بیش از ۸۰۰ کارگر شاغل در ۳۰ کوره آجرپزی قرچک در اعتراض به کمی دستمزد دریافتی از دو هفته گذشته تاکنون دست از کار کشیده و در محل واحد خود اعتصاب کرده‌اند.

او گفت: با وجود دخالت مسوولان اداره کار و فعالیت شورای حل اختلاف برای حل معضل حقوقی کارگران و افزایش دستمزد کارگران از ۱۲ هزار تومان به ۱۵ هزار تومان در هر تن آجر، کماکان این اعتصابات ادامه دارد.

فرجیان گفت: اعتصاب گسترده کارگران در کوره‌ها خشم و اعتراض کارفرمایان و مالکان کارخانه‌ها را برانگیخته است. (۸ خرداد ماه ۸۷)

اعتصاب گسترده کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه

حدود سه هزار نفر از کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه در اعتراض به سطح پایین دستمزدها از صبح روز ششم خرداد ماه دست به اعتصاب زده و خواهان افزایش دستمزدهای خود شده اند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارگران در حال حاضر به ازای هر هزار عدد آجر ۹۵۰۰ تومان دستمزد دریافت میکنند و یک کارگر از ساعت ۴

صبح تا ۷ بعد از ظهر در یک شیفت کاری ۱۵ ساعته مداوم، حدود دو هزار آجر در روز تولید میکنند. این کارگران با توجه به تورم افسار گسیخته در جامعه و شرایط بسیار سخت کاری خود، به سطح پایین دستمزدهایشان معترض هستند و خواهان دریافت ۱۵ هزار تومان دستمزد به ازای هر هزار آجر می باشند.

در حال حاضر از ۹۰ کوره آجرپزی در ارومیه کارگران ۶۰ کوره در این اعتصاب شرکت کرده اند و قرار است فردا کارگران ۳۰ کوره باقی مانده نیز به همکاران اعتصابی خود بپیوندند و دست از کار بکشند. بنا بر این گزارش از لحظه شروع اعتصاب تا کنون کارفرمایان هیچگونه توجهی به خواسته های کارگران نکرده و مسئولین اداره کار نیز به میان آنان نیامده اند و در موردی با توجه به عدم توجه کارفرمایان به اعتصاب کارگران، تعدادی از کارگران کوره های آجرپزی نازلو که حدود سی کوره می باشد در مقابل دفتر کارفرما دست به تجمع زده اند که پلیس ۱۱۰ در محل حاضر شده و کارگران را تهدید به بازداشت کرده است.

در تداوم این اعتصاب قرار است فردا از کارگران هر کوره یک نفر به عنوان نماینده به اداره کار مراجعه نموده و خواستهای خود را پیگیری کنند.

این کارگران مصمم هستند تا رسیدن به خواست خود و افزایش دستمزدها به اعتصاب خود ادامه دهند. لازم به یادآوری است در این کوره پزخانه ها کارگران به صورت خانوادگی و همراه فرزندان خردسال خود در شرایط بسیار سختی مشغول به کار هستند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با اعلام حمایت از اعتصاب کارگران کارخانه های آجرپزی ارومیه، اعتصاب متحدانه این کارگران را به عنوان الگویی برای کارگران سایر بخشها جهت افزایش دستمزدها

توصیه و از عموم آنان میخواهد تا ضمن حمایت از اعتصاب کارگران کارخانه های آجرپزی ارومیه خواهان افزایش دستمزدهای خود شوند. (۸ خرداد ماه ۸۷)

تداوم بر قدرت اعتصاب کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه

امروز مورخه ۹/۳/۱۳۸۷ با پیوستن کارگران ۲۰ کارخانه آجر پزی دیگر به کارگران اعتصابی کارخانه های آجرپزی ارومیه، اعتصاب این کارگران با قدرت هر چه بیشتری ادامه پیدا کرد.

حدود سه هزار نفر از کارگران کارخانه آجرپزی ارومیه از روز ششم خرداد ماه در اعتراض به سطح پایین دستمزدها دست به اعتصاب زده اند و خواهان افزایش دستمزدهای خود هستند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز علیرغم تلاش کارفرمایان برای پایان دادن به اعتصاب، نه تنها این اعتصاب پایان نگرفت بلکه با پیوستن کارگران ۲۰ کوره آجرپزی دیگر به اعتصاب، مبارزه این کارگران برای افزایش دستمزدهایشان ابعاد هر چه گسترده تری پیدا کرد.

امروز کارفرمایان این کارخانه ها طی جلسه مشترکی با نماینده های کارگران در یکی از کوره ای آجر پزی قتلو، اعلام کردند حاضرند فقط ۵۰۰ تومان به دستمزد کارگران اضافه کنند اما کارگران آنرا قبول نکرده و برخواست خود مبنی بر افزایش دستمزد تولید هر هزار عدد آجر از ۹۵۰۰ تومان به ۱۵ هزار تومان تاکید کردند.

در این جلسه پس از سخنان یکی از کارگران کارفرمایش به وی اعلام کرد شما باید جمع کنی و از اینجا بروی. بدنبال این وضعیت همه کارگران کوره مذکور همراه با نماینده خود وسایلشان را جمع کرده و در صفحه ۹



مروری بر مبارزه ...

از صفحه ۷

شهرها در ابعادی که در دیگر جاهای ایران در جریان بود، جلوگیری کرد. (خان بدون رعیت و تفنگدار دیگر خان نیست!) کوچ دهقانان به شهرها در کردستان، در واقع در اوایل انقلاب ۵۷ در شکل دیگری صورت گرفت که موضوع بحث امروز ما نیست. اما آنچه که اینجا لازم به اشاره دارد این است که کارگر فصلی کردستان بخاطر اینکه بخش کوچکی از زمین را در اختیار داشت، یک پایش در شهرهای بزرگ ایران در اشتغال در کارهای فصلی مثل بخش ساختمان سازی و کوره های آجرپزی بود و پای دیگرش در روستاهای کردستان. با این پاراگراف خواستم اشاره ای به این بکنم که ریشه اینکه بسیاری از کارگران فصلی بخصوص در کوره پزخانه ها از کردستان هستند، در چه است. *

شاه یا آنچه که او نام پر ظمطراق "انقلاب سفید شاه و مردم" بر آن گذاشت، دهقانان زیادی را از زمین کند و راهی شهرها برای جویای کار کرد. این تقسیم زمین ها، در کنار تأمین نیروی کار لازم برای سرمایه داری رو به رشد ایران، سعی کرد روابط عشیره ای روستائی را از هم بگسلد و همچنین از قدرت و اتوریته خان ها نیز کاست. اما بدلیل مسائل سیاسی ای که در خود کردستان ایران و کردستان عراق در جریان بود، رژیم شاه نخواست از قدرت خان های این منطقه، با تقسیم زمین هایشان بکاهد. گرچه اصلاحات ارضی بنوعی در این منطقه هم صورت گرفت، اما گستردگی، وسعت و شیوه توزیع زمین ها در این منطقه با آنچه که در مناطق دیگر ایران در جریان بود، تفاوت کیفی داشت. این مسئله از کوچ دهقانان روستاهای کردستان به

اخبار اعتراضات کارگران ...

از صفحه ۸

مقابل دفتر کارفرما گذاشتند و اعلام کردند اگر ایشان برود همه ما خواهیم رفت و همین امر باعث شد تا این کارفرما در مقابل کارگران کوتاه بیاید. از طرف دیگر کارفرمایان امروز تلاش کردند با گماردن نگهبان در هر کوره ای از ارتباط کارگران کوره‌های مختلف با یکدیگر جلوگیری کنند که با عکس العمل کارگران مواجه شده و از این اقدام پرهیز کردند.

کارگران اعتصابی این کارخانه ها که هم اکنون تعداد آنان حدود چهار هزار نفر هستند اعلام کرده اند تا رسیدن به خواسته هایشان دست از اعتصاب بر نخواهند داشت.

این کارگران در حال حاضر ضمن تداوم اعتصاب در پی آن هستند تا با امضای طوماری حول خواست افزایش دستمزدهایشان و ارائه آن به اداره کار ارومیه، مبارزه خود را برای افزایش دستمزد با جدیت بیشتری دنبال کنند. (۹ خرداد ۸۷)

اعتصابی یکپارچه تمامی کارخانه های آجر پزی ارومیه را در بر گرفت

اعتصاب کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه که در اعتراض به سطح پایین دستمزدها و شرایط بسیار طاقت فرسای کار در این کارخانه ها از یک هفته پیش شروع شده است با اصرار کارگران برای رسیدن به خواسته هایشان همچنان ادامه دارد و امروز مورخه ۱۳۸۷/۳/۱۲، کارگران تمامی قسمتهای این کارخانه ها به اعتصاب پیوسته و به این ترتیب تمامی کارخانه های آجر پزی ارومیه از کار افتادند.

در این میان کارفرمایان کارخانه های جاده انهر برای مقابله با اعتصاب کارگران حمامهای کارخانه ها را به بهانه خراب بودن، خاموش کرده و به این ترتیب در صدد بر آمده

اند تا از طریق آزار و اذیت کارگران مانع ادامه اعتصاب آنان شوند. در منطقه جاده انهر کارخانه های آجر پزی ممتاز یک و دو، سفال زرین خاک، کوره مجد آذربایجان، کوره ملت یک و دو، قدس اروم، فرید، کوره نور، آرات و چند کارخانه دیگر قرار دارند.

گفتنی است از زمان شروع اعتصاب کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه، کارفرمایان این کارخانه ها و اداره کار ارومیه نسبت به خواسته های کارگران بی اعتنا بوده اند و در این مدت نیروهای انتظامی نیز بدون برخوردی با کارگران چندین بار در محل حاضر شده اند.

لازم به یاد آوری است که کارگران کارخانه های آجر پزی در ارومیه همراه با خانواده و فرزندان خردسال خود در این کارخانه ها کار و زندگی میکنند و خاموش کردن حمامهای این کارخانه ها مشکلات شدید بهداشتی را برای این کارگران میتواند ببار آورد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن این اقدام کارفرمایان کارخانه های آجر پزی جاده انهر، از اعتصاب کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه قویا حمایت میکند و خواهان بر آورده شدن هر چه فوری تر خواسته های این کارگران است. (۱۲ خرداد ۸۷)

تداوم اعتصاب کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه و احتمال گسترش اعتصاب به کوره های آجر پزی شبستر و میاندوآب

اعتصاب حدود چهار هزار نفر از کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه وارد یازدهمین روز خود شد. این اعتصاب که با خواست افزایش دستمزد تولید هر هزار عدد آجر از ۹۵۰۰ تومان به ۱۵۰۰۰ تومان شروع شده است علیرغم برخی اقدامات کارفرمایان برای شکستن

اعتصاب همچنان ادامه دارد.

کارفرمایان در طول این مدت برای در هم شکستن اعتصاب کارگران بویژه در کوره های آجر پزی منطقه جاده انهر به شیوه های غیر انسانی متوسل شده و تلاش کرده اند با ایجاد فشار و اختلال در زندگی روزمره این کارگران به اعتصاب پایان داده و کارگران را وادار به عقب نشینی کنند. از جمله این اقدامات ضد انسانی میتوان به قطع گاه و بیگاه آب و برق، خاموش کردن حمامها، جلوگیری از آمدن فروشندگان ارزاق عمومی به محل زیست کارگران، تلاش برای ایجاد دو دستی در میان آنان و گسیل گاه و بیگاه مامورین نیروی انتظامی به کوره پزخانه ها و بازداشت کارگران و انتشار شایعه دخالت بیشتر نیروهای انتظامی میتوان اشاره کرد. با اینحال کارگران این کارخانه ها مصمم هستند تا رسیدن به خواسته های خود به اعتصاب ادامه دهند.

این در حالی است که بنا بر خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کارخانه های آجر پزی شبستر و میاندوآب نیز مصمم هستند هفته آینده دست به اعتصاب زده و به همکاران اعتصابی خود در ارومیه ملحق شوند. همچنین بنا بر خبرهای تائید نشده که به اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است کارگران کارخانه های آجر پزی تاکستان نیز دست به اعتصاب زده و در پی اقدام کارفرمایان در استفاده از اعتصاب شکنان و ایجاد درگیری سه نفر از کارگران زخمی شده اند.

اعتصاب کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه در شرایطی ادامه دارد که نزدیک به یک ماه است کارگران کارخانه های آجر پزی قرچک و ورامین نیز دست به اعتصاب زده و همچون کارگران ارومیه خواهان افزایش دستمزدهایشان تا سقف ۱۵ هزار تومان برای هر هزار عدد آجر هستند. (۱۶ خرداد ۸۷)

پیام کارگری از نیشکر هفت تپه به کارگران و مردم ایران

کارگران و مردم حق طلب ایران

اعتصاب طولانی مدت ما، هزاران کارگر نیشکر هفت تپه، همچنان ادامه دارد مسئولین جواب خواست های حق طلبانه ما را با باتوم و اسپری داده اند رهبران ما را بارها دستگیر کرده اند و برایشان پرونده سازی کرده اند، اما ما همراه با خانواده هایمان متحد و یکپارچه به اعتصاب و تجمعات اعتراضی مان ادامه میدهمیم تا به همه خواسته هایمان برسیم از شما کارگران و مردم شریف در سراسر کشور می خواهیم از ما پشتیبانی کنید و حمله نیروهای نظامی به اجتماعات ما را محکوم کنید از شما مردم شوش، از شما جوانان زحمتکش شوش و همه مراکز کارگری که تاکنون قاطعانه از مبارزه ما پشتیبانی کرده اید قدردانی میکنیم و می خواهیم که ما را تا رسیدن به خواسته هایمان همراهی کنید از سازمانهای کارگری در سراسر جهان انتظار داریم با مبارزه ما اعلام همبستگی کنند

جواب مبارزه حق طلبانه ما باتوم و اسپری و زندان نیست ما حق مان را می خواهیم و زن و مرد دوش به دوش هم تا رسیدن به تمام خواسته هایمان دست از اعتراض بر نمیداریم حمایت شما مردم ایران تاثیر قاطعی بر مبارزه ما دارد.

کارگران کوره پزخانه های شبستر و میاندوآب دست به اعتصاب زدند

رئیس اداره کار ارومیه به نمایندگان کارگران آجر پزیها: بروید سرکارتان، وگرنه میدهم نیروی انتظامی همه تان را بیرون بیاندازد. امروز حدود سی نفر از نمایندگان کارگران کارخانه های مختلف آجر پزی ارومیه جهت پیگیری خواست خود مبنی بر افزایش دستمزدها به اداره کار این شهر مراجعه کردند اما با برخورد تحقیر آمیز قربانی زاده رئیس روابط کار این اداره مواجه شدند. وی با تحقیر کارگران و داد و فریاد به آنان اعلام کرد باید سرکارتان برگردید و اگر کار را شروع نکنید میدهم نیروی انتظامی همه شما را از سر کارهایتان بیرون بریزد.

پس از این برخورد رئیس روابط کار اداره کار ارومیه با کارگران، آنان نیز کوتاه نیامده و ضمن اعتراض به وی خواهان انجام وظایف قانونی اش شدند و نهایتاً قربانی زاده به کارگران اعلام کرد بروید با کارفرماهایتان

مشکل را خودتان حل کنید.

بدنبال این وضعیت کارگران از اداره کار خارج شده و متحدتر از همیشه بر تداوم اعتصاب خود تاکید کردند. این نمایندگان از کارخانه ها و کوره های مختلفی به اداره کار ارومیه مراجعه کرده بودند.

اعتصاب کارگران کارخانه ها و کوره های آجر پزی ارومیه در حالی ادامه دارد که بنا بر اخبار دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران، از دیروز کارگران کوره های آجر پزی شبستر و میاندوآب نیز اعتصاب خود را با خواست افزایش دستمزدها شروع کرده اند و هم اکنون در اعتصاب بسر می برند.

در همین حال کارگران کوره پزخانه های قرچک نیز پس از سی روز اعتصاب موفق شدند کارفرماها را به عقب رانده و خواست خود را بر آنان تحمیل کنند. این کارگران پس از توافق با کارفرماها بر روی دستمزد ۱۴ هزار تومانی به ازای هر هزار عدد آجر، اعتصاب خود را پایان داده و شروع بکار کرده اند. (۱۶ خرداد ۸۷)

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اهمیت اعتصاب هفت تپه ...

از صفحه ۱

های مختلف جنبش کارگری، دانشجویان، فعالین مختلف جنبش های اعتراضی باید به هر ترتیب که میتوانند هم اعلام همبستگی خود را اعلام کنند و هم از این هم فراتر روند. فقط اعلام همبستگی و حمایت اگر چه مهم است ولی باید به این قانع نبود. باید فراتر از آن رفت، باید با تشکیل صندوق های همبستگی، حمایت مالی، و همچنین با دست زدن به اقدامات حمایتی که میتواند از اعتصاب و اعتراض یکروزه و چند ساعته گرفته تا تجمع و تظاهرات، به هر نحوی حرکتی را سازمان داد برای اینکه همه متوجه شوند. کسانی که دارند واقعا جنایت میکنند کسانی که دارند جواب کارگزاران را که میگویند گرسنه ایم، دارند با باتوم و دستگیری و بازداشت میدهند باید متوجه شوند که کارگران تنها نیستند. متوجه شوند که یک جامعه و یک حرکت عظیم اجتماعی است که در مقابل آنها به جریان افتاده است. برای اینکه کارگران هفت تپه و همینطور کل کارگران و تمام مردمی که زیر فشار گرسنگی دارند مچاله میشوند بتوانند به موفقیت دست یابند، بتوانند مبارزه و اعتراضشان را به پیش ببرند، باید حکومت متوجه شود، باید دست اندرکاران متوجه شوند که با هر اعتراضی نیروی عظیمی به حرکت در می آید. باید متوجه شوند که نمیتوانند بیش از این این درجه از بیحقوقی را تحمیل کنند. مردم بلند میشوند و اعتراض میکنند.

همانطور که شما توضیح دادید اهمیت این مبارزه از نفس یک اعتصاب مشخص کارگری با خواستهای معینی فراتر میرود. اهمیت این مبارزه این است که امروز به چهره و به پرچم و به بلندگوی یک جامعه هفتاد میلیونی تبدیل شده است. که آنهم فریادش اینست که "حکومت اسلامی نمیخواهم". جامعه فریادش اینست که زندگی معیشت حق مسلم ماست. جامعه حرفش اینست که باید کارگران زندانی و همه

زندانیان سیاسی باید آزاد بشوند. مردم جامعه خواستشان اینست که حق جمع شدن و متشکل شدن داشته باشند. در هر بخش از جامعه زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران در بخش های مختلف تولیدی، بخش های مختلف جامعه همه و همه همین حرفها و همین نیازها را دارند و دارند این خواستها و این شعارها را فریاد میزنند. به نظر کارگران نیشکر هفت تپه دارند در شرایط سیاسی امروز نقشی تاریخی و تعیین کننده بازی میکنند و بعنوان پیشتاز این صف بعنوان پرچمدار این صف دارند راه نشان میدهند. من به این کارگران درود میفرستم و دست تک تک آنها را از میفشارم. به آنها درود میگویم. به آنها تبریک میگویم. فکر میکنم تا همین جا کار عظیمی انجام داده اند. امیدوارم حزب ما بتواند با تمام امکان و توانش شریطی فراهم کند که این مبارزه بتواند به پیروزی برسد.

شهلا دانشفر: یکی از دوستان بیننده ما که الان تماس گرفته بودند با اشاره به وضعیت مشقت باری که الان هست. با اشاره به گرانی و فشاری که به زندگی مردم و کل جامعه وارد میشود. میگفتند چه باید کرد؟ چه کسی جوابگوست؟ چه کسی مسئول است و در واقع داشتند اعتراض خود را به این وضع فریاد میزدند. فریادی که این روزها ما زیاد میشنوم. شما پاسختان چیست؟

حمید تقوایی: فکر میکنم در جامعه ایران این خیلی بدیهی است. همه مردم میدانند که اساس مساله اینست که یک حکومتی بر سر کار است که نه تنها از استعمار و از تبعیض طبقاتی و از منافع اقلیتی که میلیاردری پول به جیب میزنند در برابر اکثریت عظیم زیر خط فقر دفاع میکند، بلکه جنایتکار است. بلکه سرکوبگر است. عقب مانده ترین قوانین و عقب مانده ترین مناسبات و ارتجاعی ترین سیاستها را دارد به جامعه تحمیل میکند. بنابراین برای همه مردم روشن است که تا جمهوری

اسلامی هست و تا این حکومت هست این وضعیت غیر قابل تحمل هم هست. بنابراین مبارزه ای که هست. مبارزه ای که کارگران هفت تپه میکنند و یا بخش های مختلف جامعه میکنند، در آن این فرض است. بدون شك اگر شما از هر کس این سوال را پرسید که چه چیز باید تغییر کنند میگویند تا وقتی این حکومت هست وضع کمابیش همین است. تا وقتی این حکومت هست دستمزدها پرداخت نمیشود. تا وقتی این حکومت هست حقوق پایه ای کارگران را به رسمیت نمی شناسند. تا وقتی این حکومت هست گرسنگی هست. فقر هست. بیچارگی هست. و امروز این مبارزات به حدی رسیده است که چنان دست اندرکاران را مورد تعرض و زیر فشار قرار داده است. که دارند دزدی های هم را رو میکنند. دارند ثروت های میلیاردری را رو میکنند. بطور مثال میگویند فقط هزینه یک روز هندوانه اسبهای دختر رفسنجانی صد هزار تومان است. یا میگویند فلائی به فلان آیت الله میگوید پسرم بیکار است و امتیاز چوب بری های شمال را به او تقدیم میکنند. این حکومت حکومتی است که تا مغز استخوان فاسد، چپاولگر، ضد انسانی و ارتجاع کامل است. وضعیت طوری شده است که اینها دارند دیگر به همدیگر حمله میکنند. دست اندرکاران دارند دست همدیگر را رو میکنند. جواب کارگران جواب مردم این نیست که این بخش دزد است، گویا بخش دیگر بهتر است. یا فرض کنید کسی که اسلام دگر اندیش دارد بیاد از اینها بهتر است. مردم همه اینها را تجربه کرده اند. همه اینها را می شناسند.

مسئول کیست؟ چه باید کرد؟ جواب خیلی روشن است. کل این سیستم و حکومتی که از این سیستم دفاع میکند. سیستمی که بر مکیدن خون کارگر و تحت فشار قراردادن میلیونها انسان استوار است. و گذران امور روزش و سود آوری اش بستگی به این دارد که کارگر در این شرایط کاملا ضد انسانی و باید گفت مادون انسانی قرار داده، این حکومت باید

برود. این حکومت هیچ جایی ندارد نه در جامعه ایران و نه در قرن بیست و یک در هیچ کجای دیگری. جواب ما اینست. راهش چیست. به نظر من این نوع اعتصابات که الان در هفت تپه در جریان است باید وسعت بگیرد. نه تنها باید از آن اعلام حمایت کرد، بلکه بخش های دیگر کارگری باید به میدان بیایند. همین خواستها را بگویند. این ها فقط خواستهای کارگران هفت تپه نیست. همه میدانیم. گرسنگی، بیکاری، گرانی درد تمام کسانی است که در آن جامعه زیر خط فقر زندگی میکنند. یعنی بیش از هشتاد درصد مردم. حرف من اینست که این مردم باید این مبارزه را الگو قرار دهند. فقط با مبارزه است که میشود به این خواستها رسید و این غده سرطانی را از جامعه ایران جدا کرد. ممکن است سوال دیگر این باشد که چه کسی بالاخره به داد ما برسد؟ این سوال هم خیلی طرح میشود. پاسخ اینست که خودمان باید به داد خودمان برسیم. این حزب حزب مردم است. حزب کارگران است. حزب آزادیخواهان است. حزب ضد فقر و ضد استعمار و ضد تبعیض است. کسانی که اینها اعتراض دارند باید بدانند این حزب وجود دارد با تمام امکاناتش تلاش میکند این مبارزات را همبسته کند. متحد کند پیش ببرد و به پیروزی برساند. بنابراین اولین پاسخ در مقابل سوال چه باید کرد اینست که قرار نیست که کسی از بالا ما را نجات دهد. نه قرار است معجزه ای شود. نه قرار است کسی به داد ما برسد. خود کارگر، خود مردم، خود اقشار محروم هستند که باید متحد شوند. باید حول پرچم، سیاستهای حزب و رهنمود های حزب جمع شوند. این کانال جدید فقط یک تلویزیون نیست. این کانال جدید یک اهرمی است، یک ابزاری است که باید مردم را حول خود جمع کند. متحدشان کند. به هم بتند، سرپل و رابطی باشد که جنبش های اعتراضی همدیگر را ملاقات کنند. به همدیگر نزدیک شوند. دست در دست هم بگذارند و مثل یک نیروی واحد بلند شویم و جمهوری اسلامی را

ببندازیم. فراخوان من، جواب من، هم به سوال اینکه ریشه مساله چیست و هم به این سوال که چطور باید از این شرایط غیر قابل تحمل نجات پیدا کرد، اینست که ریشه مسائل حکومت اسلامی سرمایه است. و راه حلش مبارزه و اعتراض همبسته و متحد زیر پرچم حزب کمونیست کارگری برای سرنگونی این رژیم است.

شهلا دانشفر: شما به سوال بعدی من نیز پاسخ دادید. بارها و بارها مرتباً میگویند ما مردم، چه بکنیم و دارند درب این حزب را میزنند و دارند با ما صحبت میکنند. جواب ما را میخواهند که شما به این مساله اشاره کردید. اما به اهمیت مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه اشاره کردید. چطور میشود همین الان این مبارزه را قدرتمند کرد؟ الان یکی از کارگران نیشکر هفت تپه آمد روی خط و گفت خسته شدیم. فشار روی ما زیاد است. درست میگویند. چه باید کرد؟ شما پاسخ دوست ما را چه میدهد؟ این را از روی استیصال نمیگوید دوست ما. برای اینکه همین کارگان تاریخ تجمع بعدی خود را هم معلوم کرده اند. شما پاسختان چیست؟

حمید تقوایی: مساله واقعی است. هر اعتصاب کارگری به نظرم یکسری شرایط و پیش شرطهایی میخواهد برای اینکه بتواند دوام پیدا کند. برای اینکه بتواند به اهداف مشخص همان اعتراض برسد. این فقط در مورد اعتصاب در جامعه ایران صادق نیست. در مورد تمام اعتراضات کارگری در همه کشورها صادق است. یک نکته اساسی اینست که در هر اعتصابی علاوه بر پلیس سرکوب و فشار دولتی و غیره که روی دوش کارگران هست، یک فاکتوری که اعتصاب را همیشه تهدید میکند مساله مالی است. کارگر اعتصابی، کارگری است که بالاخره در حین اعتصاب هم باید بتواند زندگی خودش و خانواده اش را تأمین کند. به همین خاطر تشکیل صندوق های حمایت مالی از اعتصابات به نظر من یک رکن اساسی پیشروی و ادامه موفق و پیروزمند هر اعتصابی است.

اهمیت اعتصاب هفت تپه ...

از صفحه ۱۰

نکته دوم اینست که کارگران نباید در اعتصاب خود تنها بمانند. به دو معنی این را میگویم. اولاً تنها فرد کارگر نیست. خانواده‌های کارگر باید وسیعاً به میدان بیایند. باید به حمایت بلند شوند. باید نقش داشته باشند در اعتصاب. به این ترتیب مثلاً فرض کنید. وقتی فرضاً ۱۰۰۰ کارگر دست به اعتصاب بزند. اگر یک خانواده کارگری را بطور متوسط ۴ نفر حساب کنیم باید نیروی ۴۰۰۰ نفر در برابر رژیم و در برابر کارفرما قرار گیرند. بدین ترتیب خانواده‌های کارگری میتوانند نقش اساسی داشته باشند. به این اعتبار اعتصاب از چهارچوب کارخانه خارج میشود. به شهر کشیده میشود. به جامعه کشیده میشود. اینهم یک جنبه مثبت دیگر شرکت خانواده‌های کارگری در اعتراضات کارگری است. کارگران هفت تپه خوشبختانه این تجربه را تا حدی عملی کرده‌اند و یکی از نقاط مثبت مبارزاتشان در این چهل روز مبارزه همین بود. که توانستند شهر شوش را در واقع به حرکت در بیاورند. و اعتراض خود را به مساله اصلی همه مردم تبدیل کردند. که همین را باید ادامه داد و وسعت بخشید. اما به معنی دیگر اینکه اعتراض نباید فقط به یک بخش کارگری به یک کارخانه و حتی به رشته معینی محدود شود. خواست کارگران نیشکر هفت تپه چیز ویژه‌ای در مورد شکر یا کارخانه نیشکر ندارد. خواست آنها خواست همه کارگران است. دو خواست اساسی آنها پرداخت دستمزدهای معوقه و حق تشکل خواست همه کارگران ایران است. بنابراین این خواستها این خصلت و این زمینه را بوجود میآورد که بخش‌های دیگر کارگران در مناطق و کارخانه‌های مختلف همزمان به حرکت در آیند و دست به مبارزه بزنند.

نکته دوم اینست که کارگران دیگر است. بحث من اینست که خود کارگران نیشکر هفت تپه باید قدم به جلو بگذارند و این فراخوان را بدهند. از همین تلویزیون و از طریق بلندگوها و تریبونهایی که حزب ما فراهم میکند رو به جامعه این فراخوان را به جامعه بدهند و این را بخواهند از بقیه که بلند شوید. حمایت کنید و بگویید اینها خواست همه ماست. خواست تمام طبقه کارگر در ایران است و باید کل طبقه کارگر به حرکت درآید. از طرف دیگر فعالین کارگری نیشکر هفت تپه باید خطاب به اتحادیه‌ها و سازمانها و احزاب کارگری جهان فراخوان دهند و آنها را به کمک بطلبند. که ما تجربیات موفقی در این جهت داشتیم. در رابطه با آزادی کارگران زندانی همین چند ماه قبل، حدود دو سال قبل در حمایت از مبارزات کارگران شرکت واحد ما شاهد این بودیم که حرکت وسیع و جهانی در حمایت از آنها و مبارزات کارگران ایران صورت گرفت. و در مورد هفت تپه هم باید این اتفاق بیفتد. باید کارگران هفت تپه خودشان جلو بیفتند ابتکار عمل را در دست بگیرند. جلب حمایت کنند... از نظر مالی بخواهند که به مبارزاتشان کمک شود و خانواده‌ها را به حرکت در آورند و کلابخش‌های دیگر طبقه کارگر را مورد خطاب قرار دهند در حمایت از خواستهایشان.

شهلا دانشفر: ما اینجا صحبت کردیم. کارگران نیشکر هفت تپه بطور واقعی تنها نیستند. همانطور که شما گفتید. خواستهایشان خواستهای کل جامعه است. ما کنارشان هستیم. یک چنین ابزاری، یک چنین امکانی، یک چنین حزبی، بنابراین این بزرگترین قدرت است. وقتی کارگر این قدرت را ببیند افق دارد. میدانند در روز دیگر چه اتفاقی می افتد. میدانند چه باید بکنند. این یک واقعیت است. هدف از چنین برنامه‌هایی و چنین بحث‌هایی اینست که ببینیم در چه موقعیتی قرار داریم. شما گفتید نباید این کارگران را تنها گذاشت.

واقعا به این صورت است. کارگر نیشکر هفت تپه تنها نیست. کارگر نیشکر هفت تپه به وسعت ایران که در التهاب مبارزه میسوزد باید حمایت شود. در کارخانه و در دانشگاه، معلمان، پرستاران و بخش‌های مختلف کارگری. و یک چنین حزبی. سابقه نداشته در تاریخ که در یک رژیم دیکتاتوری و سرکوبگر یک حزب کارگری و مردمی و دراپوزیسیون با چنین ابزاری مثل تلویزیون بیاید و صدای آزادیخواهی و صدای اعتراض جامعه را نمایندگی کند.

حمید تقوایی: اجازه بدهید الان که شما به نقش حزب و تلویزیون اشاره کردید من هم نکته‌ای بگویم. لازم است ما از جنبه درازمدت و عمومی تری هم به همین مبارزه و اعتصاب نگاه کنیم. سیاسی تر و عمومی تر نگاه کنیم. ببینید اعتصابات زیادی در جریان است و قبلاً جریان داشته است. بوجود آمده و تمام شده. بعضاً به خواستهایش رسیده. یا رژیم آنرا سرکوب کرده و مورد حمله قرار داده است. این اتفاقات همه می افتد. سوال اینست که در این افت و خیزها در این پستی و بلندی‌ها در این پیشروی‌ها و عقب نشینی‌ها که جنبش کارگری در اعتصابات و مبارزات دیگر دارد تضمین کنیم که کل جنبش کارگری و کل جنبش چپ و آزادیخواهانه و کل جنبش سرنگونی یک قدم جلوتر برود. یعنی اینکه وقتی شما بعد از ۶ ماه اعتصابات متعدد و حرکت‌های کارگری متعدد به جامعه نگاه کنید با چه معیارها، با چه مشخصاتی میتوانید بگویید پیشرفت داشته‌اید؟ جلوتر آمده‌اید. به نظر من به چند فاکتور باید اشاره کرد. یکی اینکه بعد از هر اعتصابی و بدنبال هر حرکتی ببینیم چه طرحهایی و چه الگوهای مبارزاتی دارد در برابر جنبش کارگری گذاشته میشود. اگر شما ۴ سال قبل به جنبش کارگری نگاه کنید می بینید. این شخصیت‌های کارگری انقدر سرشناس نبودند. انقدر شناخته شده نبودند. می بینید این نهادها، کارگری که امروز داریم. با اینکه هنوز خیلی معدودند. و هنوز باید

خیلی فراتر از این بروند و هم از نظر کیفی و کمی باید جلو تر بروند. ولی همین‌ها را هم ۴ سال پیش نداشتیم. میشود خیلی از جنبه‌های دیگر را هم برشمرد که قبلاً نداشتیم. بنابراین وقتی جنبش کارگری را نگاه میکنیم می بینیم جنبش کارگری علی‌العموم دارد به جلو میرود. دارد به پیش میرود. من میخواهم اینجا بخصوص یک شاخص دیگری را رویش انگشت بگذارم. جنبش کارگری برای اینکه پیروز شود، برای اینکه کارگر استثمار را کنار بزند و اجازه ندهد این جامعه پر از تبعیض و ستم سرمایه داری باقی بماند، باید در سطح سیاست حضور به هم برساند. باید پرچم سیاسی خود را بلند کند. و باید نه فقط کارگران در ایران، بلکه تمام مردم شریف و زحمتکش و آزادیخواه ایران که اکثریت قریب به اتفاق جامعه ایران هستند، آنها باید پشت این صف و با اتکا به جنبش کارگری به جلو بیایند برای اینکه بتوانیم از شر حکومت اسلامی و این نظام ضد انسانی سرمایه داری رها شویم. بنابراین من میخواهم این نتیجه را بگویم. برای حضور در عرصه سیاست و اعلام اینکه طبقه کارگر هست. آماده است و فراخوان به جامعه بدهد که بلند شوید برای اینکه تمام این نظام ظلم و ستم سرمایه را زیر و رو بکنیم طبقه کارگر ابزار میخواهد. و این ابزار حزب است. حزبی که در شرایط امروز ایران به آن میگوییم حزب کمونیست کارگری.

بنابراین رای اینکه ببینیم تا چه حد جنبش کارگری و کلابخش چپ در ایران جلو آمده و تا چه حد طبقه کارگر آماده است، نزدیک است به اینکه این شرایط را عوض کند و یک جامعه انسانی، برابر، آزاد مرفه را به جای آن بنشانند، یک شاخص من اینست که این حزب چقدر پیشرفت کرده است. این حزب چقدر قوی شده است. چقدر به این حزب پیوسته‌اند. با این معیارها هم اگر نگاه کنید. می بینید که جنبش چپ چقدر جلو آمده است و طبقه کارگر چقدر بیشتر و بیشتر در صحنه سیاست حاضر شده است. غیر از این همین کانال جدید را

در نظر بگیرید. هر کس میتواند از خودش سؤال کند. در کدام کشور، در چه دوره‌ای یک حزب رادیکال کارگری، حزب کارگران، تلویزیونی ۲۴ ساعته داشته که تبدیل شده به تریبون اعلام اعتراض مردم. اعتراض مردم آزادیخواه علیه همه تمام فشارها و تبعیضات. از زمانی که به تبعیض و بی‌حرمتی اعتراض دارند گرفته تا کسانی که به بی‌کفایتی اعتراض دارد. علیه فقر صحبت میکنند. علیه گرسنگی صحبت میکنند. در دفاع از زندانیان سیاسی. می بینید این تلویزیون یک مرجع و یک تریبون و یک پلتفرم است. این حزب حزب طبقه کارگر است. و حضور سیاسی این حزب، حضور اجتماعی این حزب و اینکه این امکانات را دارد و به این صورت با جامعه تماس میگیرد و به این صورت مردم به آن رجوع میکنند، در واقع دارد اعلام میکند که طبقه کارگر در صحنه سیاست حاضر است، حزب خود را دارد و با این حزب است که میخواهد جامعه را رها کند.

منتها بحث اینجاست که هنوز باید بسیار از این جلوتر برویم. باید قویتر از این بشویم. باید هر کارگری که شعارهای ما را می بینید، برنامه‌های ما را می بینید، رهنمودهای ما را گوش میدهد و در قلب خود احساس میکند که با همه اینها موافق است و میخواهد اینطور باشد باید یک گام بیشتر به جلو بردارد. با ما تماس بگیرد به این حزب پیوندد. این حزب را حزب خود بداند. من فکر میکنم. شرایط سیاسی در ایران قدرت اجتماعی و سیاسی چپ علی‌العموم، شعارهای رادیکال انسانی، از هر دوره‌ای در تاریخ ایران و حتی در مقایسه با کشورهای دیگر در همین دوره جلوتر است. پیشرفته تر است. قویتر است. سوال اینست که باید این جبهه اجتماعی چپ و اعتراض سوسیالیستی در جامعه باید شکل تشکیلاتی بخود بگیرد. باید حزبی را انتخاب کند و باید به این حزب پیوندد. در حقیقت اگر من یک شاخص بخواهم بگذارم و بگویم نه تنها اعتصاب کارگران شرکت نیشکر

اهمیت اعتصاب هفت تپه ...

از صفحه ۱۱

هفت تپه، بلکه اعتصابات کارگران در ایران، جنبش کارگری در ۶ ماه گذشته در یکسال گذشته، چقدر جلو آمده است. یک شاخص مهم من اینست که چند درصد از این کارگران از این فعالین، اینهایی که در این مبارزه شرکت کردند، رسیدند به این نتیجه که باید مبارزه را ادامه داد. در سطح سیاسی باید حرکت کرد. باید این حزب را تقویت کرد. با کمک این حزب و با این حزب که چون حزب همه ماست و به این نتیجه برسند و با این حزبی که انسان و انسانیت را نمایندگی میکند حرکت کنند برای اینکه جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و کل جامعه را آزاد کنند. من فکر میکنم در نهایت شاخص اینجاست و همه این اعتصابات و حرکات کارگری باید تبدیل شود به یک تعرض سیاسی، حزبی، متشکل و همبسته و قدرتمند برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای خلاصی از جامعه پر از ظلم و ستم و تبعیض سرمایه داری که جمهوری اسلامی الان در ایران پاسدار آنست

شهلا دانشفر: یکی از دوستان کارگر من با او صحبت میکردم میگفت من یک امیدم به خداست و دیگری به شماس.

حمید تقوایی: فعلا خدا کنار جمهوری اسلامی است و بنابراین امید حزب است در واقع!

شهلا دانشفر: این دوست ما دارد نکته ای را دارد بیان میکند. دارد انتخابی را بیان میکند. میگفت من انتخاب کرده ام. این فرد دارد اعتراضی را بیان میکند.

حمید تقوایی: به نظر من چیزی که کارگران باید متوجه شوند، چه توده کارگران علی العموم و چه فعالین کارگری باید متوجه شوند، اینست که حیزشان هست. این حزب وجود دارد. این حزب قوی است. این حزب کارهایی انجام داده که در سابقه جنبش چپ بیسابقه بوده. این حزب هست باید این حزب را هر چه بیشتر

کارگران مسئول سود و ضرر سرمایه داری نیستیم. مگر وقتی که کارخانه سود میبرد سودش را با ما تقسیم میکردند که اکنون بخاطر ورشکستگی اش ما باید با فقر و فاقه بسازیم. در هر حال دولتی هست. مسئول است. حتی اگر بفرض به هر دلیلی مجبور هم باشند کارخانه ای را ببندند، کار کارگر و زندگی کارگر نباید زیر سؤال برود. کارگر نباید بیکار بشود. اگر بیکار شد باید فوراً بدون یک تاخیر یک روزه حتی حقوق بیکاری مکفی داشته باشد. شغل متناسب دیگری باید برایش پیدا شود. کارگران باید بتوانند یک زندگی درخور شان انسان داشته باشد. حقوق ایام بیکاری نه آنچه که جمهوری اسلامی اسمش را حقوق بیکاری یا بیمه بیکاری گذاشته است بلکه یک حقوق انسانی که زندگی او را در سطح بالایی تامین کند. الان که همین حقوق اشتغالش را هم نمیدهند باید با پاسدار و دادگاه و حراست جمهوری اسلامی جنگید و مبارزه کرد و این حقوق را گرفت.

اما تا جاییکه به این استدلال بر میگردد. یعنی اینکه مثلاً میگویند نساجی ها دارند ورشکست میشوند و در رقابت با نساجی های چین نمیتواند کار کند و باید بسته شود. این مساله خود آنهاست. کارگر باید زندگی اش تامین شود. کارگر که برای کار کردن آماده است، شما که ضرر میکنید راهی پیدا کنید که زندگی کارگر تامین شود. این جواب صنفی مساله است. اما جواب سیاسی و اساسی تر اینست که نمیتوانید بروید کنار. جامعه سرمایه داری، دولتی که ادعا میکند که در راس جامعه نشسته و اقتصاد جامعه و مناسبات و غیره را دارد اداره میکند اگر میگوید من نمیتوانم شکم مردم را در این جامعه سیر کنم، حکم مردم اینست که بروید کنار. ما دولتی را میتوانیم روی کار بیاوریم که میتواند نه تنها شکم ما را، بلکه شکم همه مردم را میتواند سیر کند. ما دولتی را میتوانیم روی کار بیاوریم که دهها برابر این و صدها برابر این رفاه برای همه جامعه فراهم کند.

منابع آن هست. ثروت آن هست. شرایط آن هست. نیروی کار آن که در این جامعه ۷۰ میلیونی با نسل جوان آن فراوان هست. اگر بنابراین بیکاری و فقر هست بخاطر شرایط مادی نیست. بخاطر سود اندوزی شماس. بنابراین حکم اساسی و جواب سیاسی اینست. این جواب سیاسی طبقه کارگر است که اگر نمیتوانید شکم ها را سیر کنید لایق حکومت کردن نیستید. بروید کنار. شما دنبال سود و سودآوری هستید. شما حکومت همان میلیاردرهایی هستید که یکروز هزینه هاندانه اسپهانشان صد هزار تومان است. و به خیلی از کارگران هم ماهانه صد هزار تومان یا دوست هزار تومان بیشتر نمیدهد. شما حکومت آن میلیاردرها هستید. بروید کنار. اینکه میگویید داریم ورشکسته میشویم طبقه شما از نظر سیاسی ورشکست شده است. باید بروید کنار. قدرت را بدهید به طبقه کارگر. جامعه را طوری خواهد گرداند که رفاه و آزادی و رهایی برای همه مردم تضمین شود. به نظر من باید در هر دو سطح باید تعرض کنیم و این منطق را در هیچ سطحی نباید بپذیریم که سرمایه ضرر میدهد. ورشکست میشویم و رقابت نمیتوانیم بکنیم. این را در هیچ سطحی نباید پذیرفت. بعنوان کارگر در همین جامعه میگوییم حقوق بیکاری، کار متناسب و غیره فراهم شود. حتی اگر از نظر اقتصادی نمیتوانید اداره کنید و از نظر سیاسی جوابمان اینست که اگر چنین وضعیتی هست نشان میدهد که شما لایق حکومت کردن نیستید، بروید کنار. طبقه کارگر میتواند قدرت را به دست بگیرد و تامین و رفاه همگانی را تامین کند.

شهلا دانشفر: حمید تقوایی در آخر برنامه میخواستم ببینم پیام شما به کارگران هفت تپه و کارگران در ایران چیست؟

حمید تقوایی: پیام من اولاً به کارگران نیشکر هفت تپه که درگیر این مبارزه هستند اینست که قدم به جلو بگذارند، فراخوان بدهند. خطاب به طبقه کارگر در خود ایران و در جهان و خطاب به بخش های دیگر جامعه اعلام حمایت بخواهند. با خانواده هایشان و با رهبران و با سخنگویان هر چه بیشتری صدای اعتراض خود را به گوش همه برسانند. بخصوص از طریق کانال جدید و از طریق حزب ما. حزب ما آماده است و همه امکانات را فراهم کرده است که این صدا را همگانی کند. و نکته دیگر من که از این اعتصاب مشخص فراتر میرود، اینست که به این فکر کنند کارگران که برای رهایی کامل حزب میخواهند. به این حزب باید پیوندند. در عرصه مبارزه سیاسی باید حضور بهم برسانند. و باید این حزب را تقویت کنند که بتوانیم جامعه را از شر جمهوری اسلامی رها کنیم و یک جامعه برابر آزاد مرفه و انسانی پایه گذاری کنیم.

شهلا دانشفر: متشکرم حمید تقوایی خوشحالم که این فرصت دست داد در این برنامه بودید و رو به کارگران و رو به جامعه صحبت کردید. خیلی ممنون*

گفتگو با سعید ترابیان از مسئولین سندیکای شرکت واحد

برگرفته از سایت دسترنج

توضیح کارگر کمونیست:

یکی از مبارزات مهم و فراموش نشدنی کارگری در چند ساله اخیر، ۵۰ روز اعتراض و مبارزه کارگران شرکت واحد در دو ماه آخر سال ۸۴ بود. اعتصاب قدرتمند کارگران شرکت واحد در ۴ دی ۸۴، تجمع هزاران نفره این کارگران در استادیوم آزادی، تجمع چند هزار نفره آنان در منطقه ۶ شرکت واحد، و اعتصاب ۷ بهمن ۸۴ نقطه عطفها و نقطه اوج های این مبارزات با شکوه بود. بدنبال این اعتراضات توجه کل جامعه به طرف کارگران شرکت واحد جلب شد. این انعکاس وسیع این مبارزات در سطح جامعه هم به دلیل موقعیت کلیدی کارگران شرکت واحد که در اتصال با توده مردم در شهر بزرگی چون تهران قرار دارند و هم به لحاظ جلوی صحنه آمدن صفی از رهبران کارگران و مصاحبه های آنان در رسانه های مختلف و خیررسانی آنان در سطح جامعه، ابعاد اجتماعی وسیعی به این اعتراضات داد و این خود باعث شد که مبارزات کارگران شرکت واحد به یک اتفاق سیاسی مهم تبدیل شد و نقش مهمی در اوضاع سیاسی جامعه و تغییر توازن قوای جامعه پیدا کند. این مبارزات بطور واقعی وزن سنگین تری به مبارزات کل کارگران در اوضاع متحول سیاسی ایران داد.

جمهوری اسلامی با سرکوب، با زندان و اخراج و تعقیب و پیگیری دائمی رهبران اعتراضات کارگران شرکت واحد تلاش کرد این مبارزات را عقب بزند. با سرکوب این مبارزات و در دل یک خفقان و فشار دائمی بر روی فعالین و رهبران آن، گرایشات راست بیشتر صحنه دار اوضاع شدند و با کشاندن مبارزات کارگران به مجاری قانونی و وعده و وعید های این مقام و آن مقام دولتی و دادن نامه تمنا و استمداد از "رهبر انقلاب" هر روز بیشتر از توده کارگری که در اعتصاب عظیم کارگران واحد نقش

ایفا کردند و در اجتماع چند هزار نفره منطقه ۶ با شعار تشکل حق مسلم کارگران است، قدرتمندی کردند، فاصله گرفت. اما علیرغم همه این افت و خیزها هنوز جایگاه مبارزات کارگران شرکت واحد در جنبش کارگری در ایران برجسته است. و بطور واقعی اگر امروز از مبارزات کارگران شرکت واحد به عنوان یک نقطه عطف صحبت میکنیم؛ تماماً حاصل جلو آمدن گرایش رادیکال و مصمم کارگری در این اعتراضات و در اعتصابات با شکوه و تجمعات هزاران نفره ای بود که به آن اشاره کردیم و در واقع کارگران شرکت واحد با مبارزات خود گوشه ای از قدرت طبقه کارگر را به نمایش گذاشتند. قدرتی که جهان را متوجه خود کرد و روزی چون ۱۵ فوریه روز همبستگی جهانی کارگری با کارگران ایران را خلق کرد.

واقعیت اینست که رژیم اسلامی مبارزات کارگران شرکت واحد را توانست سرکوب کند، اما از نظر سیاسی در برابر کارگران شکست خورد. کارگر شرکت واحد و مبارزه و تشکلش جای ویژه ای در جنبش کارگری ایران پیدا کرد و در سطح بین المللی نیز هرکس توجهی به جنبش کارگری داشته باشد شرکت واحد را میشناسد. جریانات راست تلاش دارند کارگر شرکت واحد را شکست خورده تصویر کنند اما این با هدفهای معینی انجام میشود. این مبارزه ای با شکوه بود و دستاوردی های مهم و پایداری را برای جنبش کارگری در ایران و برای خود این کارگران در برداشت. باید این دستاوردها را دید، تا بتوان راه پیشروی را جستجو کرد و به جلو گام برداشت.

بگذریم که حتی وقتی به وضعیت امروز کارگران واحد نگاه میکنیم میبینیم که در نتیجه همین مبارزات حتی تغییرات و بهبودهایی در وضع دستمزد و شرایط کار کارگران شرکت واحد صورت گرفته است که اگر این اعتراضات نبود، امروز کارگران

حاضر، عمده ترین مشکلات کارگران اتوبوسرانی، عبارت است از بحث قراردادهای موقت، مسائل مربوط به مرخصی و خرابی یا از کار افتادگی اتوبوس ها. همچنین، مشکل دیگر کارگران، مسئله سرویس های ایاب و ذهاب است. همانطور که می دانید، کارگران اتوبوسرانی در دو شیفت صبح و بعدازظهر مشغول به کار هستند. اما برای رانندگان صبح کار تنها سرویس ایاب، و برای کارگران شیفت عصر تنها سرویس ذهاب برقرار است. یعنی صبح کارها سرویس ذهاب و بعدازظهر کارها سرویس ایاب ندارند. البته از سال ۸۴، با احیا شدن سندیکای کارگران اتوبوسرانی، نامه نگاری با مدیریت برای احقاق حقوق معوقه کارگران آغاز شد. تاکنون، فعالیت های سندیکا نتایج مثبتی برای کارگران داشته است. از جمله می توان به اهدای کت و شلوار، افزایش حقوق کارگران به میزان ۵۰ درصد، بن های کارگری، شیر و کیک روزانه، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و برخی مزایای دیگر اشاره کرد.

سوال: لطفاً درباره وضعیت کارگران قراردادی بیشتر توضیح دهید؟

سعید ترابیان: در حال حاضر، در شرکت واحد کارگران از استخدام مستقیم خبری نیست. ابتدا کارگران به صورت قراردادی شاغل می شوند که این قراردادها حداقل یک سال است و تا ۴ سال هم تمدید می شود. بعد از آن، اگر مدیریت از کارگری راضی بود، امکان دارد که وی را استخدام رسمی کند. در چنین شرایطی، کارگران قراردادی برای آنکه به استخدام رسمی نزدیک شوند، معمولاً باید از مرخصی و استعلاجی استفاده نکنند، و نسبت به جمع آوری بلیط کوشا باشند، در حالی که جمع آوری بلیط قانوناً به عهده رانندگان نیست. همچنین، کارگران قراردادی معمولاً با کوچکترین مشکلی، با خطر فسخ قرارداد مواجه هستند.

سوال: وضعیت کارگرانی که در شرکت های خصوصی اتوبوسرانی (به

اصطلاح تعاونی ها) مشغول به کار هستند چگونه است؟ آنها با چه مشکلاتی روبرو هستند؟ مدیریت این شرکت ها چه تفاوتی به مدیریت شرکت واحد دارد، و آیا کارگران در این شرکت ها استخدام شده اند؟

سعید ترابیان: شرکت های خصوصی که در شرکت واحد از سال گذشته کار خود را شروع کردند، معمولاً توسط مدیران سابق شرکت اداره می شوند. همچنین، تعدادی از رانندگان این شرکت ها، از رانندگان بازخرید شده شرکت واحد هستند. در واقع، این رانندگان با بازخرید کردن خود (در ازاء دریافت یکماهه سالیانه به عنوان مزایا)، وارد این شرکت های خصوصی شده اند. در این شرکت ها، به رانندگان اتوبوس هایی را تحویل داده اند که از لحاظ فنی هیچ تضمینی ندارند و کلیه تعمیرات و هزینه های نگهداری آنها نیز به عهده راننده است. در حال حاضر، اکثریت این راننده ها از واگذاری اتوبوسها ناراضی هستند، حتی تعدادی از آنها برای بازگشت به شغل قبلی مراجعه کردند که متأسفانه مورد موافقت قرار نگرفته است. در شرکت های خصوصی هیچ راننده ای به صورت استخدام نیست و قوانین کار و تامین اجتماعی شامل حال آنها نمی شود. مدیریت نیز هیچگونه مسئولیتی در قبال راننده ندارد. در آنجا هم مدیران همانند مدیریت در شرکت واحد فقط فکر منافع خودشان هستند.

سوال: درباره راه اندازی خط BRT که سال گذشته در برخی مسیرهای اتوبوسرانی افتتاح شد، توضیح دهید؟ مزایا و معایب این طرح چیست؟ در این اتوبوس ها برای اولین بار وظیفه جمع آوری بلیط از دوش راننده برداشته شد، و قرار بود افراد جدیدی را برای نظم دادن به ایستگاه ها استخدام کنند، وضعیت این طرح در حال حاضر چگونه است؟

سعید ترابیان: طرح سامانه اتوبوس های تندرو تنها در مسیر میدان آزادی تا سه راه تهرانپارس

اخباری از اعتراضات کارگری در ایران

کارگران جاده فومن رشت را بستند

کارگران کارخانه لاستیک البرز

بنابه خبری که روز ۲۱ خرداد ماه در وبلاگ "تابناک گیلان" منتشر شده، با تأخیر ۱۲ تا ۱۷ ماه در پرداخت حقوق و مزایای معوقه، کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت از دو روز پیش دست به تحصن زده و جاده فومن-رشت را مسدود و اقدام به آتش زدن لاستیک نمودند. کارگران گفته اند که بارها به مسئولین استان در خصوص پیگیری مشکلاتشان مراجعه کرده اند ولی هر بار با وعده ای از سوی ایشان موضوع ادامه پیدا کرده است. کارگران گفته اند که یکسال است که از هرگونه حقوق، مزایا و امکانات کاری خود محروم مانده اند و تاکنون هیچ اقدام مثبتی در جهت رفع مشکل خود را شاهد نبوده اند.

اعتراض کارگران ذغال سنگ طیس به نحوه پرداخت دستمزدها

بنابه اخبار منتشر شده در روز ۲۰ خرداد ماه، کارگران ذغال سنگ طیس در اعتراض به تأخیر در پرداخت دستمزدهایشان اعتراض کردند. این کارگران که تعداد آنها به هزار تن می رسد، به نحوه پرداخت حقوق و تأخیر یک ماه در آن معترضند.

کارگران شاهو، مدیریت را وادار به عقب نشینی کردند

کارگران کارخانه نساجی شاهو سنندج که روز تعطیلی ۱۱ اردیبهشت ماه را کار کرده بودند، متوجه شدند که کارفرما از پرداخت دستمزد فوق العاده به آنها خودداری کرده است. این زورگویی کارفرما با اعتراض کارگران مواجه شد و بالاخره زیر فشار این اعتراض و مراجعه مکرر کارگران به اداره کار سنندج، بازرسی اداره کار سنندج کارفرما را واداشت تا در بابت کار در روز ۱۱ اردیبهشت ماه دستمزد فوق العاده را تا آخر این ماه پرداخت کند.

از سرگیری مجدد اعتراضات

اعتصاب کارگران کوره پزخانه های ارومیه

گزارشی از رها فرزاد از ایران

مشکوک می دانند تهدید میکنند. آنها در صدد دستگیری تعدادی از کارگران برمیایند که با اعتراض و عکس العمل بموقع کارگران و خانواده های آنها روبرو میشوند. کارگران و خانواده هایشان نیروهای انتظامی را با سنگ و کلوخ و آجر و چوب دستی وادار به عقب نشینی میکنند و از محوطه کوره پزخانه ها دور می کنند. اما کارفرمایان در هماهنگی و همدستی با اداره کار و نیروهای انتظامی موفق شده اند در بعضی از کوره پزخانه ها با ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران بخشی از آنها را از ادامه اعتصاب منصرف کنند. اما اعتصاب همچنان ادامه دارد. در تاریخ ۲۲ خرداد ماه، نیروی انتظامی با در دست داشتن يك لیست ۲۶ نفره از نمایندگان کارگران در صدد دستگیری آنها شده و ۴ تن از آنها را احضار و مورد بازجویی قرار می دهند. کارگران دیگر وقعی به احضاریه ها نمینهند و خود را معرفی نمیکنند.

لازم به توضیح است که کارگران کوره پزخانه های قرچک ورامین هم که تعدادشان حدود ۸۰۰ نفر است، تقریباً همزمان با کارگران کوره های ارومیه وارد اعتصاب و اعتراض شده بودند، با پافشاری بر خواست افزایش دستمزد، به اعتصاب خود با موفقیت و افزایش دستمزد از ۹۵۰۰ تومان در ازای هر هزار آجر به ۱۴۰۰۰ تومان، بعد از ۳۱ روز خاتمه دادند.*

عدم دریافت ۳ ماه حقوق و مطالبات خود در مقابل دفتر مدیریت کارخانه تجمع کردند. به گفته این کارگران بیش از يك سال است که حقوق کارگران این شرکت با تأخیر چندین ماه پرداخت شده که باعث اعتراض گسترده کارگران شده است. این کارگران هفته گذشته نیز جمعی را در مقابل اداره کار این شهرستان برپا داشتند.

مطالبه خود را با کارفرمایان و صاحبان کوره ها در میان گذاشتند اما با بی اعتنائی و تهدید آنها و همچنین تهدید نیروهای انتظامی شهر ارومیه مواجه شدند و سپس به اداره کار مراجعه داده شدند. هر بار که کارگران به اداره کار مراجعه می کردند، با اهانت قربانی زاده، رئیس اداره کار ارومیه روبرو میشدند. روز ۱۶ خرداد ماه، ۳۰ نماینده کارگران از کوره های همه مناطق ارومیه، بار دیگر جهت پیگیری مطالبات خود از جمله افزایش دستمزد به اداره کار مراجعه می کنند که مجدداً با برخورد تحقیرآمیز رئیس اداره کار مواجه می شوند. او از کارگران می خواهد به سر کارشان برگردند و تهدید میکند که در صورت ادامه اعتصاب نیروی انتظامی را خبر خواهد کرد. اما کارگران کوتاه نیامدند و به او بخاطر برخوردش اعتراض کردند. او در جواب کارگران می گوید که مشکلاتتان را با رئیس کوره ها حل کنید. کارگران با این برخوردها، هر بار از بار قبلتر یکپارچه تر بر ادامه اعتصاب پافشاری و تأکید می کنند؛ و هر بار با تجمع های محلی در کوره پزخانه ها برای همدلی و تبادل نظر با هم مشورت کرده و اظهار نظر می کنند.

کارفرماها و نیروی انتظامی با حمایت همدیگر بر شدت فشار خود بر کارگران افزوده و در محوطه کوره های آنها بطور مرتب در حال گشت زنی هستند و هر کسی را که ۱۳ خرداد ادامه داشت، حدود ۲۰۰ تن شرکت داشتند و خواهان رسیدگی به مطالبات خود بودند. این کارگران چندی پیش نیز در مقابل ساختمان مرکزی این کارخانه و در مقابل استانداری تهران تجمع کردند.

تجمع کارگران شرکت پونل

بنابه اخبار منتشر شده در روز ۲۲ خرداد ماه، بیش از ۱۰۰ کارگر شرکت پونل پاکدشت در اعتراض به

در تاریخ ۵ خرداد ماه ۸۷، ۴۰۰ تن از کارگران ۹۰ کوره پزخانه ارومیه، واقع در مناطق انهر، نازلو، قطلو، قره آغاج و دیدان به سطح پائین دستمزد خود دست به اعتصاب زدند. این کارگران که کارشان فصلی است، در شرایطی بسیار سخت و همراه با خانواده خود، از پیر و جوان و کودک، ۱۶ ساعت کار در روز (از ۴ صبح تا ۸ شب) کار میکنند و به ازای هر هزار آجر ۹۵۰۰ تومان دریافت میکنند. کار این کارگران کنتراتی است و در روز تقریباً هر کارگر میتواند حدود ۲۰۰۰ آجر تولید کند.

کارگران شاغل در این کوره پزخانه ها علی العموم از شهرها و دهات اطراف شهرهای کردستان، اعم از پیرانشهر، نقده، اشنویه، مه آباد، بوکان، سقز، بانه، سردشت و غیره هستند. با وجود نبود هیچگونه شغل و درآمدی به کوره پزخانه ها روی می آورند. در این کوره پزخانه ها، کارگران در خانه های کاه گلی زندگی میکنند که فاقد هرگونه امکان بهداشتی و رفاهی هستند؛ و به صورت اشتراکی از میان هر ۱۰، ۱۵، ۲۰ خانواده از يك ظرفشویی و حمام، که فقط در روزهای تعطیلی پنج شنبه و جمعه روشن هستند، استفاده میکنند.

کارگران با خواست افزایش قیمت هر هزار آجر به ۱۵۰۰۰ تومان و بیمه تامین اجتماعی و وسایل کار شروع شد. کارگران

تجمع کارگران صنایع چوب طالقانی همراه با خانواده های خود در مقابل وزارت کار

کارگران کارخانه صنایع چوب طالقانی به همراه اعضای خانواده های خود صبح روز ۱۲ خرداد ماه در اعتراض به ۱۷ ماه نپرداختن دستمزد، در محوطه ساختمان وزارت کار و امور اجتماعی دست به تحصن زدند. در این تحصن که تا

اخباری از اعتراضات کارگری ...

از صفحه ۱۴

اعتراض کارگران اخراجی کارخانه نورد و پروفیل ساوه

بنا بر خبر منتشر شده توسط سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در روز ۲۱ خردادماه، کارفرمای کارخانه نورد و پروفیل ساوه که پس از اعتصاب کارگران این کارخانه تاکنون هفتاد نفر از آنان را اخراج کرده است چهار روز مداوم در مسجد جامع شهر ساوه به مناسبت ایام مذهبی فاطمیه با تقبل هزینه گزافی هر شب اقدام به دادن هزاران پرس غذا کرد. در آخرین شب این مراسم در حالی که کارفرمای کارخانه نورد و پروفیل ساوه به اتفاق یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سایر مسئولین شهر ساوه در آن حضور داشتند و حدود دو هزار نفر از مردم عادی و کارگران کارخانه

نورد و پروفیل ساوه در آن شرکت کرده بودند آقای پولادوند یکی از نمایندگان کارگران این کارخانه که پس از اعتصاب از کار خود اخراج شده است در حالی که روبروی کارفرما نشسته بود از جای خود برخاست و با روحیه اعتراضی بالایی خطاب به کارفرما گفت: به جای اینکه اینهمه هزینه حیف و میل کنید به وضعیت هفتاد کارگر اخراجی کارخانه رسیدگی کنید و آنها را بر سرکارهایشان بازگردانید. بدنبال این اعتراض، کارگران حاضر در آنجا نیز اعتراض وی را مورد تأیید قرار دادند و همین وضعیت باعث شد تا برخی مسئولین حاضر در آنجا با خواهش و تمنا آقای پولادوند را آرام کنند. با پیش آمدن این وضعیت بلافاصله پس از شام کارفرمای

کارخانه نورد و پروفیل ساوه به اتفاق همراهانش با عجله محل را ترک کردند.

به گفته برخی از کارگران، اعتراض نماینده اخراجی کارگران نورد و پروفیل ساوه در این مجلس احساس همدردی زیادی را در بین مردم با کارگران اخراجی کارخانه نورد و پروفیل ساوه برانگیخت و کارگران شاغل این کارخانه نیز از این اعتراض استقبال کرده اند.

لازم به یادآوری است کارفرمای کارخانه نورد و پروفیل ساوه پس از اعتصاب دوازدهم اسفند ماه کارگران این کارخانه در سال ۸۶ بر خلاف وعده خود مبنی بر بازگرداندن کارگران اخراجی بر سر کار و توقف اخراج سازیهما، تا کنون حدود هفتاد نفر از این کارگران را که در اعتصاب حضور داشتند اخراج کرده است و به گفته

کارگران این کارخانه کارفرما در حال حاضر نیز همچنان سیاست عدم تمهید قرار داد کارگرانی را که در اعتصاب نقشی داشتند دنبال میکند.

کارگران نساجی پریس سنندجی در آستانه اعتصاب

بنابه خبری که روز ۲۳ خردادماه منتشر شده، کارگران نساجی پریس سنندج در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات خود که از جمله شامل ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده و سنوات سال گذشته است، در آستانه اعتصاب قرار دارند.

نبرد اختن دستمزد کارگران سامان کاشی بروجرد

بنابه خبری که روز ۲۱ خرداد ماه در سایتها درج گردیده بود، بیش از ۵۰۰ تن از کارگران شاغل در کارخانه سامان کاشی بروجرد ۳ ماه است که

حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران گفته اند که بیش از یک سال است که حقوق آنها با تأخیر چندین ماه پرداخت می شود که بارها باعث اعتراض کارگران شده است.

اعتراض کارگران مجتمع تولیدی صنعتی سما کردستان

طبق خبری که روز ۱۶ خرداد منتشر شده، بیش از ۱۰۰ تن از کارگران شاغل در مجتمع تولیدی صنعتی سما کردستان نسبت به عملکرد مدیریت واحد در کسر نیمی از حقوق شغلی اردیبهشت اعتراض کرده اند. گفته میشود که کارفرمای این شرکت نیمی از حقوق دریافتی کارگران را به دلیل ۱۳ روز تعطیلی اول سال کسر کرده است. همچنین پیش از این نیز بیش از ۱۰۰ تن از کارگران این شرکت از کار اخراج شده بودند.

معلمان را تا حدی بالا ببرد، ولی سندیکای مدارس جمهوری چک که سازمانده این اعتراض است گفته است این بهیچ عنوان کافی نیست و دستمزد همه آنهاهی که در بخش خدمات آموزش مشغول بکار هستند و نه فقط معلمان باید افزایش یابد. در پراگ بعثت تعداد زیاد مدارس اعتصاب کننده دولت اعلام کرد مدارس تعطیل هستند. اعتراض مشابهی در سپتامبر سال گذشته نیز صورت گرفت که باعث تعطیلی بیش از ۵۸۰۰ مراکز آموزشی شد.

روز دوشنبه ۹ ژوئن بیش از ۱۳۰ هزار تن از کارمندان خدمات آموزشی در جمهوری چک بمدت یکروز دست از کار کشیدند که باعث تعطیلی حدود ۶۰۰۰ مرکز آموزشی، یعنی نیمی از تعداد کل مراکز آموزشی کشور شد. این کارمندان در اعتراض به پائین بودن دستمزدشان و نامتناسب بودن نرخ تورم با افزایش دستمزدها دست به اعتراض زدند. آنها می گویند دولت به وعده خود برای بالا بردن دستمزدها عمل نکرده و راهی به غیر از این برای فشار آوردن به دولت وجود ندارد. دولت موافقت کرده است که فقط حقوق

وام اضطراری داده است. در شهر Liege بلژیک هزاران نفر از رانندگان و کارگران در اعتراض به گرانی مواد غذایی دست به راهپیمایی زدند. Juan Jose Heel نماینده مهمترین اتحادیه کامیونداران گفته است قیمت سوخت باید پائین بیاید.

در ۶ ماه اخیر قیمت سوخت در اروپا تا ۳۰ درصد افزایش داشته است که این موضوع بهانه ای برای افزایش بیش از حد مواد غذایی نیز شده است.

اعتصاب وسیع کارمندان بخش آموزش در جمهوری چک

دو خبر از اعتراضات کارگری در سطح جهان

داوود رفاهی

اعتراض هزاران راننده کامیون در اروپا

کردند که با اعتراض خود کشور را فلج خواهند کرد. در بعضی مناطق راههای ورودی به کارخانه ها را بستند تا مانع ورود کامیونها برای بارگیری بشوند. در اسپانیا روز دوشنبه ۹ ژوئن بیش از ۷۰ هزار کامیون در این اعتراض شرکت کردند. آنها گفته اند راههای ورود به پالایشگاهها را خواهند بست. دولت در اسپانیا برای ممانعت از اعتراض کامیونداران، پیشنهاد بازنشستگی قبل از موعد و

هزاران راننده کامیون در اعتراض به بالا رفتن قیمت سوخت در شهرهای مختلف اروپا با کامیونهای خود دست به اعتراض زدند. جاده های کمربندی شهرهای مهم را مسدود کردند و مرز بین اسپانیا و فرانسه را بستند. در پرتغال این رانندگان تهدید

با دروهای فراوان دوستان گرامی

با خبر شدیم اعضای سندیکای شما که در جریان برگزاری مراسم اول ماه مه امسال دستگیر شده بودند روز 6 جون دادگاهی و از اتهامات وارده تبرئه و آزاد شدند.

این خبر مسرت بخشی برای ما کارگران در ایران است. ما آزادی همکاران دستگیر شده شما در مراسم اول ماه مه را یک پیروزی برای طبقه کارگر ترکیه و موفقیتی برای تمامی کارگران منطقه ارزیابی میکنیم و آنرا صمیمانه به شما

کارگران در تمامی نقاط جهان است و بی تردید همبستگی جهانی طبقه کارگر و گسترش و تعمیق آن در میان کارگران کشورهای چون ایران و ترکیه و سایر کشورهای منطقه، متضمن پیشرویهایی هر چه بیشتر ما کارگران در رسیدن به حقوق انسانی مان خواهد بود.

زنده باد اول ماه مه
زنده باد همبستگی کارگری
اتحادیه آزاد کارگران ایران

اعضای سندیکای کارگری تومتیز ترکیه پس از برگزاری دادگاه در تاریخ 17/3/1387 تبرئه و از زندان آزاد شدند تمامی اعضای دستگیر شده سندیکای کارگری تومتیز در ترکیه که در جریان برگزاری مراسم اول ماه مه دستگیر و به زندانی در شهر آنکارا منتقل شده بودند بعد از برگزاری اولین جلسه داد گاه در شهر آنکارا تبرئه و آزاد شدند سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برگزاری مراسم روز جهانی کارگران را حق

پیام تبریک اتحادیه آزاد کارگران ایران و سندیکای کارگران شرکت واحد تهران به سندیکای کارگران حمل و نقل ترکیه Tümtis

مسلم همه کارگران می دانند و این حکم عادلانه را به تمامی کارگران ایران و جهان تبریک می گوید و امیدواریم هر چه زودتر شاهد آزادی آقای منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که به خاطر دفاع از حقوق کارگران دستگیر و به 5 سال زندان محکوم شده است باشیم.

با امید به گسترش صلح و عدالت در جهان- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
17/3/1387

نامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به ITUC در باره وارد کردن فشارهای شدید جسمانی بر جوانمیر مرادی و طاهای آزادی



منصور اسانلو طه آزادی جوانمیر مرادی

نگهداری جوانمیر مرادی و طاهای آزادی از دادن داروهای اعصاب جوانمیر مرادی که باید آنها را بطور روزمره مصرف میکرد خودداری کرده و آنان را با دستان از پشت بسته نگه داشته اند.

۳- در مورخه ۲۳/۲/۱۳۸۷ مامورین امنیتی جوانمیر مرادی را وادار کردند با همسرش تماس گرفته و به ایشان بگوید که در حال انتقال به کرمانشاه هستند. اما با مراجعه خانواده این کارگران به اداره اطلاعات کرمانشاه، اداره مذکور از این مسئله اظهار بی اطلاعی کرد و فوزیه خالصی و همراهم وی را مورد ضرب و شتم قرار داد.

۴- فوزیه خالصی همسر جوانمیر مرادی دو روز پیش یعنی مورخه ۱۳/۳/۱۳۸۷ موفق شد با وی در زندان مرکزی بوشهر ملاقات کند. در این ملاقات بر اثر شدت فشارهای جسمانی وارده بر جوانمیر مرادی در اداره اطلاعات بوشهر، وی قادر به

از: اتحادیه آزاد کارگران ایران

به: کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری ITUC
۳ جون ۲۰۰۸

با دروهای فراوان

دوستان و همکاران گرامی همانگونه که مطلع هستید در اول ماه مه امسال جوانمیر مرادی و طاهای آزادی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به دلیل برگزاری مراسم اول ماه مه در عسلویه بازداشت شدند و هم اکنون روز از بازداشت آنان می گذرد.

در این مدت:

۱- به استثنای چند روز اول بازداشت جوانمیر مرادی و طاهای آزادی مامورین امنیتی محل نگهداری آنها را از خانواده های این کارگران پنهان کرده و به این ترتیب اقدام به آزار و اذیت همسران و فرزندان آنان کرده اند.

۲- مامورین امنیتی در طول زمان

بختیار رحیمی یکی دیگر از فعالین کارگری همچنان در زندان هستند و کارگران نیشکر هفت تپه بدلیل اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان مورد سرکوب واقع شده و تحت تعقیب قضایی قرار گرفته اند.

دولت جمهوری اسلامی عضو سازمان جهانی کار است و از نظر ما به دلیل نقض شدید ابتدائی ترین و بدیهی ترین حقوق کارگران صلاحیت عضویت در سازمان جهانی کار را ندارد.

با احترام فراوان

اتحادیه آزاد کارگران ایران
14/3/1387
www.ettehade.net

ایمیل: k.khrajji@gmail.com

فاکس: 02144514795

رونوشت به: سازمان جهانی کار
جناب خوان سومایا - یونیون گلوربا و سازمان عفو بین الملل

به خاطر اینست تا آثار شکنجه بر بدن این کارگران محو شود.

دوستان و همکاران گرامی

جوانمیر مرادی و طاهای آزادی هیچ جرمی جز برگزاری مراسم اول ماه مه مرتکب نشده اند و تنها سندی که اداره اطلاعات عسلویه به عنوان سند جرم به خانواده های آنان نشان داده است پلاکاردهایی است در اعتراض به میزان و عدم پرداخت دستمزدها که در ابتدای مراسم در دست این کارگران بوده است.

ما ضمن قدردانی از اقدامات تا کنونی شما در دفاع از حقوق انسانی کارگران در ایران، از شما انتظار داریم با توجه به برگزاری اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار، اقدامات جدی تری را در این روزها برای دفاع از حقوق انسانی کارگران در ایران بعمل آورید.

منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و

حقوق کارگران معمولاً سنگ مدیریت را به سینه می زنند و در واقع نماینده کارفرما هستند.

سوال: آیا مجمع عمومی سندیکا امسال برگزار می شود؟

سعید ترابیان: متأسفانه، بعد از اعتراضات صنفی کارگران سندیکایی در سال 1384، تعداد زیادی از کارگران اخراج شدند.

همچنین، در سال گذشته برخی از کارگران به دلیل ارتباط با اعضای سندیکا تحت فشار قرار گرفته اند و به حراست شرکت احضار شده اند. در چنین شرایطی، ترس از اخراج در کنار بالا بودن هزینه تهیه مایحتاج روزانه، باعث شده که کارگران در ظاهر با مدیریت کنار بیایند. در حال حاضر، بدلیل مسائل پیش رو تصمیمی راجع به برگزاری مجمع دوم گرفته نشده است.

دیوان عدالت اداری پیگیر شکایت شان هستند.

سوال: به عقیده شما مهمترین مسئله جامعه کارگری ایران چیست، و آنها در راستای فعالیت های مدنی و صنفی خود، چه مطالباتی را باید در دستور کار قرار دهند؟

سعید ترابیان: آزادی منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکا، بازگشت به کار اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکایی، لغو احکام صادره از طرف دادسرای انقلاب و ادارات کار، داشتن تشکل مستقل، زندگی شایسته و لغو قراردادهای موقت و افزایش دستمزدها، از مهمترین خواسته های کارگران است. با امید به لغو قراردادهای موقت و ایجاد تشکلهای مستقل کارگری.

گفتگو با سعید ترابیان ...

از صفحه ۱۳

پیشرفت و بهبود شرایط کار و زندگی کارگران کمک می کند و از سوی دیگر رابطه میان کارگر و کارفرما را نیز تنظیم می کند؛ کارگران شرکت واحد در سال گذشته در خصوص تثبیت و توسعه نهاد سندیکایی خود چه اقداماتی انجام دادند و با چه موانعی رو به رو بودند؟

سعید ترابیان: برابر مقوله نامه های بنیادین کار (87 و 98) داشتن سندیکا حق مسلم کارگران است. در واقع، کارگران برای تحقق خواسته هایشان، به سندیکایی احتیاج دارند که بتواند مستقل و آزادانه از حقوق آنها دفاع کند. باید توجه داشت که شورای اسلامی کار که خود را نماینده کارگران معرفی می کند در يك انتخابات فرمایشی به سر کار آمده اند، و به جای دفاع از

(دپوی شرق) راه اندازی شده است. این طرح در ابتدا، با مشکلات روشنایی و حجم بالای مسافر رویرو شد. اما در حال حاضر کمی بهتر شده است. در هر ایستگاه مسئولی برای جمع آوری بلیط گذاشته اند، اما نظم کار هنوز پائین است. مزایای این طرح بیشتر برای مسافین هست که سریع به مقصد می رسند. اما برای راننده ها مشکلاتی دارد، از جمله اینکه امکانات رفاهی و سرویس های بهداشتی در ابتدا و انتهای خطوط هنوز تعبیه نشده؛ بعلاوه زمان استراحتی بعد از طی مسیر طولانی برای راننده در نظر گرفته نشده است.

سوال: تشکیل اتحادیه کارگری و حق تشکیل سندیکا، یکی از اساسی ترین حقوق کارگران است. در واقع، نهادی مانند سندیکا به

تظاهرات در مقابل کنفرانس آی ال او در ژنو علیه جمهوری اسلامی



کنفرانس آی ال او توزیع کردند که مورد استقبال بسیاری از آنها قرار گرفت. همچنین طوماری با خواست اخراج هیئت جمهوری اسلامی از آی ال او در میان نمایندگان کنفرانس و مردم حاضر در محل توزیع شد.

حزب کمونیست کارگری به کارزار جهانی برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمانهای بین المللی تا عملی شدن این خواست ادامه میدهد و همه سازمانهای کارگری و انسان دوست را به پیوستن به این کارزار فرا میخواند. تلاش ما اینست که بخشهای هرچه وسیعتری از کارگران و مردم جهان و همچنین مردم در ایران به این کارزار بپیوندند و سازمانهای بین المللی و دولتها را زیر فشار بگذارند که از مداخلات با این حکومت ضد کارگری و سرکوبگر دست بردارند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی برابری حکومت کارگری
تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران
۶ ژوئن ۲۰۰۸ - ۱۷ خرداد ۱۳۸۷

تظاهر کنندگان علیه جمهوری اسلامی و با خواست اخراج این حکومت توحش اسلامی از سازمان جهانی کار از دور جلب توجه میکرد. بر پلاکاردها به زبانهای انگلیسی و آلمانی و فارسی از جمله نوشته شده بود "مزدوران این حکومت نمایندگان کارگران نیستند"، شرم بر کسانی که یک حکومت ضد کارگری را بعنوان نمایندگان کارگران دعوت میکنند و جمهوری اسلامی را از سازمان جهانی کارگران اخراج کنید. پرونده های کارگران هفت تپه باید فوراً لغو شود و کارگران دستگیر شده باید فوراً آزاد شوند، جوانمیر مرادی و طاها آزادی و مجید نصیری و منصور اسانلو به جرم دفاع از حقوق کارگران هنوز در زندان هستند و شعارهایی دیگری در این چارچوب.

تظاهر کنندگان همچنین در مقابل کنفرانس آی ال او شمار زیادی اعلامیه و نشریه در افشای اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی علیه کارگران، در میان نمایندگان

همزمان با اجلاس سالانه سازمانی جهانی کار در ژنو، امروز جمعه ۶ ژوئن تظاهراتی به دعوت حزب کمونیست کارگری در مقابل مقر این سازمان در این شهر برگزار شد. تظاهر کنندگان با در دست داشتن پلاکاردها و سردادن شعار و سخنرانی به حضور جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار اعتراض کرده و خواستار اخراج این حکومت ضد کارگری و ضد انسانی از سازمان جهانی کار شدند. در این تجمع بهرام سروش و فرشاد حسینی از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری برای حاضرین به زبانهای انگلیسی و فارسی سخنرانی کردند و در مورد سرکوب کارگران و دستگیری فعالین اول مه و تهاجم به کارگران هفت تپه و سایر کارگران و همچنین به سرکوب سیستماتیک زنان و جوانان و مردم سخن گفتند. این تجمع به مدت یک ساعت و نیم ادامه یافت و مورد توجه و حمایت حاضرین در محل قرار گرفت. پلاکاردها و شعارهای متعدد

حضور هیئت حزب کمونیست کارگری ایران در اجلاس سازمان جهانی کار

آزادی منصور اسانلو رئیس سندیکای شرکت واحد که یکسال است در زندان بسر میبرد و آزادی مجید نصیری از کارگران لوله سلفچگان قم و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی تاکید دارد. این هیات ضمن اعلام حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه خواهان خاتمه یافتن احضار رهبران اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه به دادگاه و باطل اعلام شدن پرونده های تشکیل شده برای آنها و ممنوعیت فشار و تهدید فعالین و رهبران کارگری، معلمان و بخش های مختلف جامعه است.

پتی شن اعتراضی با خواست اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او

بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران و با جمع آوری امضا برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار، توجه نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس را بخود جلب کردند. حضور این هیات موجب نگرانی نمایندگان جمهوری اسلامی و فشار و رسوائی بیش از پیش آنان شد. طومار (پتیشن) درباره اخراج جمهوری اسلامی ایران از آی ال او، توسط نمایندگان اتحادیه ها که از کشورهای مختلف به آنجا آمده بودند، امضا شد.

هیات شرکت کننده حزب کمونیست کارگری ایران خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار است. این هیات همچنین بر آزادی فوری دستگیر شدگان اول مه جوانمیر مرادی و طه آزادی و نیز

امسال نیز همانند سال های قبل هیاتی از سوی حزب کمونیست کارگری ایران به سرپرستی بهرام سروش و فرشاد حسینی از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در محل کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار "آی ال او" حاضر شدند تا صدای اعتراض کارگران و مردم ایران به حضور هیات جمهوری اسلامی در این سازمان و نقض پایه ای ترین حقوق کارگران توسط رژیم اسلامی در ایران را به گوش جهانیان برسانند. روز پنجشنبه ۵ جون، ۱۶ خرداد ۸۷، در نهمین روز این کنفرانس [] فرشاد حسینی و بهرام سروش خود را به داخل سالن کنفرانس رسانده و در آنجا با پخش وسیع اطلاعیه کمیته همبستگی

در اول مه و دفاع از حقوق کارگران است محکوم میکنم. برپایگی اول مه حق مسلم کارگران است. خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی و منصور اسانلو (لز فعالین کارگری ایران) از زندان هستیم. خواهان اخراج هیئت جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار هستیم. جمهوری اسلامی بخاطر جنایاتش علیه کارگران و علیه مردم ایران باید از سازمان جهانی کار همه سازمانهای بین المللی اخراج شود.

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار (آی ال او) اخراج شود در همبستگی با کارگران ایران با امضای این پتیشن: همبستگی خود را با کارگران ایران و مبارزات آنها اعلام میکنم. جمهوری اسلامی را بخاطر سرکوب کارگران، زندانی کردن فعالین کارگری و سرکوب اعتصابات کارگری شدیداً محکوم میکنم. جمهوری اسلامی را بدخاطر شلاق زدن به کارگرانی که جرمانشان شرکت

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود

۱۲ ژوئن روز جهانی علیه کار کودک گرامی باد مراسم روز جهانی علیه کار کودک در پارک مهران دولت آباد

به مناسبت روز جهانی مقابله با کار کودک
دیروز به مناسبت ۱۲ ژوئن (۲۲ خرداد) روز جهانی مقابله با کار کودک جمعیت تلاش برای جهانی شایسته کودکان مراسم جشنی را در پارک مهران دولت آباد واقع در شهر ری ترتیب داده بودند.
این مراسم با استقبال عده کثیری حدود ۸۰۰ نفر از اهالی محل و کودکان برگزار گردید اطراف

مراسم پلاکاردهایی چون تغذیه مناسب حق همه کودکان است، کار کودک ممنوع، تحصیل رایگان و بهره‌مندی از بیمه‌های فراگیر و رایگان حق همه کودکان است و شعارهای دیگر در رابطه با حقوق کودکان نصب شده بود.
تلاش برای نقض کار کودک یکی از عرصه‌های مهم مبارزه برای زندگی شایسته انسان است.
نهاد کودکان مقدمند

تلفات فعالین حقوق کودکان را به گرمی میفشارد و آرزوی موفقیت برایشان را دارد.
کار کودک ممنوع جهانی شاد، مرفح و ایمن حق همه کودکان است
نهاد کودکان مقدمند
۲۳ خرداد ۱۳۸۷

حقوق کودک به نقل از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

حقوق کودکان

حق هر کودک به یک زندگی شاد، ایمن و خلاق.

تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است. دولت موظف است استانداردها و واحدهای رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان را، در بالاترین سطح ممکن، تضمین کند.

پرداخت کمک هزینه‌های لازم و ارائه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی، برای تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان مستقل از وضعیت خانوادگی.

قرار گرفتن کلیه کودکان فاقد خانواده و امکانات خانوادگی، تحت تکفل دولت و زندگی و تربیت آنها در نهادهای مدرن و پیشرو و مجهز.

ایجاد مهد کودک‌های مجهز و مدرن به منظور برخورداری همه کودکان از یک محیط زنده و خلاق تربیتی و اجتماعی، مستقل از شرایط خانوادگی.

برابری حقوقی کامل کودکان، اعم از اینکه داخل یا خارج ازدواج بدنیا آمده باشند.

ممنوعیت کار حرفه‌ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال.

ممنوعیت هر نوع آزار کودکان در خانواده، مدارس و موسسات آموزشی و در سطح جامعه بطور کلی. ممنوعیت اکید تنبیه بدنی. ممنوعیت فشار و آزار روانی و ارباب کودکان.

مقابله قاطع قانونی با سوء استفاده جنسی از کودکان. سوء استفاده جنسی از کودکان جرم سنگین جنایی محسوب میشود.

تعقیب و مجازات قانونی کسانی که به هر طریق و به هر توجیه مانع برخورداری کودکان، اعم از دختر و پسر، از حقوق مدنی و اجتماعی خویش، نظیر آموزش، تفریح، و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مخصوص کودکان گردند.

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

